

هشدار امام!

(... دعوای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است (...)

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. انجمنی فرهنگی

سال سی و سوم / شماره ۱۴

شماره مسلسل ۱۴۳۷

نیمه دوم مهر ماه ۱۳۹۱

۳۰۰ تومان

اظهار محبت به مسئولین به گفتن سخنان

مبالغه آمیز منتهی نشود

یک سرود زیبایی را با آهنگ خوب اجرا کردند و مطالب مفیدی هم در آن سرود بود، که بیان کردند. من این نکته را نه فقط برای این جلسه عرض می کنم، بلکه مایلم اینجور مطالب در سطح کشور و سطح جامعه گسترش پیدا کند. خوب، اظهار محبت بین مسئولین و بین مردم، بخصوص نخبگان، چیز خوبی است. اینکه حالا جمعی از نخبگان، فرهنگی، استاد، معلم، نسبت به یک خدمتگزاری که یک مسئولیتی دارد، ابراز محبت کنند، خیلی چیز مطلوبی است و در کشور ما خوشبختانه این هست، اما در بسیاری از نقاط دنیا این نیست؛ و این از برکات اسلام است، از برکات تدین است؛ و طرفینی هم هست. گفت: راز کم گو من به تو عاشق ترم. بین مسئولین و بین مردم یا نخبگان، محبت یکطرفه وجود ندارد؛ اصلاً امکان ندارد محبت یکطرفه. اگر یک کشش طرفینی و جاذبه ای طرفینی نباشد، زود محبت ها یکطرفه در هم پیچیده می شود و از بین می رود؛ بنابراین محبت ها طرفینی است. منتها نکته ای که من می خواهم عرض کنم، این است که این اظهار محبت منتهی نشود به گفتن سخنانی و بیان تعبیراتی که مبالغه آمیز بودن آنها برای همه آشکار است. البته شعر جای اغراق و مبالغه است؛ اما اینکه از افراد کوچک و ناقصی از قبیل این حقیر، با تعبیراتی اسم بیاوریم که مخصوص بزرگان عالم آفرینش است، مربوط به معصومین است، مربوط به انبیاء و اولیاء است، چیز خوبی نیست. ما این فرهنگ را نباید در جامعه گسترش دهیم. حذف اینگونه تعبیرات، هیچ منافاتی با محبت طرفینی هم ندارد. بیانات رهبر انقلاب در دیدار معلمان و اساتید استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۰

نظر رهبری در مورد تبلیغات سفرهای استانی

حضرت آیت الله خامنه ای در روز آخر سفرشان به کرمانشاه در جمع مسئولان استان با اشاره آنچه در سطح شهر مشاهده کرده اند، نظرشان را درباره تبلیغات پیرامون سفر اعلام کردند: من یک گلایه کوچکی هم دارم؛ چند روز است منتظر فرصتی بودم که این گلایه را هم عرض بکنم. آن گلایه این است که من وقتی توی خیابان های کرمانشاه رفتم، دیدم به شکل غیر متعارفی عکس های بزرگی از چهره این حقیر در مسیر نصب نشده - به افراط، به اسراف - حتی به نظرم در راه پاره که می رفتیم، من دیدم در بعضی جاها توی جاده هم عکس نصب کرده اند؛ چرا؟ این همه عکس! این کار چند تا اشکال دارد: یکی اینکه اینها هزینه بر است، خرج دارد - من اطلاع دارم، می دانم - و کاری است کاملاً غیر لازم، با هزینه سنگین؛ خوب، این توجیهی ندارد. ثانیاً این نحوه کار کردن و عکس زدن و تبلیغ های اینجوری، مناسب وضع ما و شأن نظام جمهوری اسلامی و شأن طلبگی ما نیست؛ اینجور کارها مال دیگران است. کار ما بایستی با بساطت و سادگی پیش برود اینجور کارهای رنگ و لعابدار، متناسب با وضع ما نیست و البته از لحاظ فنی هم کسی نگاه کند اینها ضد تبلیغ هم هست. حالا اگر کسی هم می خواهد واقعاً یک محبتی بکند، اینها کارهایی است که خیلی تأثیر ندارد؛ تأثیرات عکس هم دارد. به هر حال من گلایه مند شدم. منتها ندانستم که به کی باید این گله را بگویم؛ کدامیک از دستگاه های مختلف در این زمینه دست اندرکار بودند و آنها این فکر را، این عمل را، این اقدام را کردند. دیدم بهترین جا، همین جاست؛ این چند روزه، جای دیگری فرصت پیش نیامد به هر حال اینجور کارها خوب نیست. این را همه دوستان، مسئولان و همکاران بدانند. این سبک کار کردن و تبلیغات این شکلی، باب انقلاب و نظام اسلامی نیست، ولی خوب، حقاً و انصافاً، هم مردم و هم مسئولین، در این چند روزی که ما مهمان شما مردم عزیز کرمانشاه بودیم، سنگ تمام گذاشتند و محبت و صفای خودشان را به حد اعلی نشان دادند.

بیانات رهبری در دیدار مسئولین اجرایی استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۸

تجلیل تجمع علمای

مسلمین لبنان از

آیت الله تسخیری



صفحه ۱۱

پابندی به اصول اسلامی و

احساس مسئولیت در برابر

خداوند؛ دویژگی

شخصیتی سید حسن نصرالله



صفحه ۶

محبوبیت روزافزون

جنبش جهاد اسلامی

در فلسطین



صفحه ۴



حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

مرحوم آیت الله گلپایگانی

فقیهی آگاه و پشتیبان

انقلاب اسلامی بود

صفحه ۹



گفت و گویی با حجت الاسلام

والمسلمین محمد جواد حجتی کرمانی

تنازع و تخصم سیاسی

بیماری است

صفحه ۷



سومین نمایشگاه بین

المللی کتاب سال حوزه

در قم برگزار می شود

صفحه ۱۲

انتقاد شدید آیت الله تسخیری از قرضای

ایران قلعه غیر قابل تسخیر اسلام خواهد ماند

هر چه بیشتر دولت فلسطین خواهد بود. وی در ادامه این بیانیه می نویسد: از شیخ قرضای می پرسیم که آیا شما این حقایق را انکار می کنید؟ و آیا ضمانت می دهید که رژیم جایگزین در سوریه در خط مقاومت قرار داشته باشد؟ یا اینکه مقاومت به پایان خویش رسیده و باید خود را تسلیم کند؟ جمهوری اسلامی ایران به یاری خداوند علی رغم خواست مرتجعان و استعمارگران، قلعه غیر قابل تسخیر اسلام خواهد ماند و از عدالت و مقاومتی که در راستای باز پس گیری حقوق غصب شده است، حمایت خواهد کرد.

در پایان از شیخ قرضای در مورد جایگاهی که این اظهارات و حملات از آنجا برآید می شود، می پرسیم که آیا همراه فشارها، تنگناها و مجازات های امریکا، اروپا و صهیونیست ها بر ضد ملت بی باک ایران که مصمم به حفظ استقلال و دستیابی به حقوق و دفاع از سرزمین غصب شده فلسطین است، قرار ندارد؟ رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب در پایان این بیانیه با ابراز امیدواری نسبت به بازگشت قرضای به گذشته تقریبی خود، تأکید می کند: از خداوند می خواهم که نقش وی در حمایت از مسأله فلسطین دوباره احیا شده و از خطرات ارتجاع، رهایی یابد.

گفتنی است یوسف قرضای رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمین در اظهاراتی جنجالی روسیه، چین و ایران را دشمن امت اسلام توصیف کرده بود.

در برابر مقاومت را که توانست همه نقشه هایش برای ایجاد خاورمیانه جدید نقش بر آب کند، چشید، لذا جهت از بین بردن همه مراکز مقاومت در فلسطین، یا سوریه و لبنان و در نهایت ایران همت گمارد؛ بدین منظور محور رابط که سوریه بود را هدف قرار داد و با سوء استفاده از اعتراض جمعی از جوانان سوری که خواستار رفع نواقص در دولت بودند، در جهت فروپاشی حکومت سوریه و در نهایت از بین بردن محور مقاومت تلاش کرد.

دبیرکل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه با هشدار به رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان نسبت به چالش های فراروی جهان اسلام، خاطر نشان کرد: ما از شیخ قرضای می خواهیم به چند حقیقت دقت نظر داشته باشد: ۱- این حمله جهانی، امروز از سوی امریکا، اروپا و صهیونیست ها برای تغییر چهره منطقه با بهره گیری از امکانات شایان و برخی کشورهای متحد آنها، رهبری می شود. ۲- سقوط نظام در سوریه باعث به وجود آمدن درگیری های داخلی در سوریه و جنگهای مذهبی کشنده در کل منطقه خواهد شد.

۳- پس از آن محورهای دیگر مقاومت نیز مورد هدف قرار خواهند گرفت که در نهایت منجر به تحقق آرزوی صهیونیست ها برای تغییر منطقه بر اساس طرح "سایکس پیکو" خواهد شد که در آن اسرائیل قدرت برتر منطقه و ضعف

آیت الله تسخیری مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام با انتقاد از اظهارات تفرقه آمیز رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان که روسیه، چین و ایران (!) را دشمن امت اسلام خوانده بود، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران قلعه غیر قابل تسخیر اسلام خواهد ماند.

آیت الله تسخیری در بیانیه ای اعلام کرد: اظهارات ناپخته شیخ قرضای در این حد بسیار دردناک بود اما این اظهارات جای شگفتی ندارد کما اینکه این فرد که خود را به ارتجاع عربی مربوط ساخته و در این راستا بالغ بر ۴۰ سال جیره خوار آنان شد، بدون هیچ واکنشی نسبت به اقدامات مبارک و یارانش، کشور خود را ترک گفت.

وی افزود: ما اعتقاد داریم که تعبیرات توهین آمیز وی نسبت به ایران اسلامی که آن را دشمن مسلمانان و عرب خوانده و کشورمان را به تلاش برای بازگرداندن امپراطوری فارسی متهم کرده و ... از کینه ای قدیمی سرچشمه می گیرد که با استعمار و حسی نژادپرستانه و مضحک در ارتباط است و از هیچ عاقلی پوشیده نیست.

در ادامه این بیانیه آمده است: ما آشکارا اعلام می کنیم که ایستادن جمهوری اسلامی ایران در کنار نظام سوریه از بینشی نافذ نسبت به اوضاع منطقه و توطئه های دشمن بر ضد امت اسلامی سرچشمه می گیرد.

آیت الله تسخیری تأکید کرد: دشمن امریکایی - صهیونیستی مزه ناکامی و شکست

در چند سال اخیر شاهد رفتارهای توهین آمیز غربی ها به پیامبر عظیم الشان اسلام هستیم. رفتارهایی که هر چند وقت یکبار مثل قارچ سر باز می کند و دامنه وسیع تری به خود می گیرد. اما حدود نیم قرن پیش، آیت الله محمد هادی فقهی از شاگردان علامه طباطبایی، کتاب جامعی با عنوان "سنن النبی" ترجمه و تالیف کرد که در آن درباره جزئی ترین آداب زندگی پیامبر، اخلاق، رفتار و گفتار پیامبر اسلام توضیحات کاملی ارائه شده است. این کتاب گنجینه ای ارزشمند برای کسانی است که می خواهند از پیامبر اسلام الگو بگیرند و سیره پیامبر را در زندگی خود به اجرا درآورند. چاپ این کتاب که نخستین بار اواخر دهه ۴۰ به انجام رسید در واقع نقطه مقابل حرکتی است که امروز در آن سوی مرزها صورت می گیرد به همین منظور شبکه ایران با آیت الله فقهی گفت و گویی انجام داده تا نظر او را درباره نحوه برخورد با اهانت های غربیان به پیامبر اسلام جویا شود. با هم گزیده ای از این مصاحبه را می خوانیم:

مسلمانان با چه شیوه ای می توانند رفتارهای توهین آمیز دشمن سلطه گر به مقدسات اسلامی را پاسخ دهند؟

هیچ کشوری حق ندارد از منظر اجتماعی به اعتقادات کشور دیگر و به مقدسات دین های دیگر توهین کند. البته این رفتار آنها به دلیل عدم شناخت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است. به هر حال ما مسلمانیم و مباحث قرآن را به خوبی درک می کنیم. در قرآن آمده است: مومنین کسانی هستند که به خدا

و رسول او و پیامبران پیش از او ایمان داشته باشند. حتی ایمان به ملائکه نیز در قرآن آورده شده است. با توجه به این موضوع وقتی فرد مسلمانی به پیامبر اسلام توهین می کند "محدور الدم" می شود و حکم او مرگ است. مثال این فتوا، حکم امام (ره) در مورد سلمان رشدی بود. سلمان رشدی با وجود اینکه مسلمان بود به دین اسلام و پیامبر ما توهین و امام او را مرتد اعلام کرد. در حقیقت مرتد شدن تنها در مورد فرد مسلمان صدق می کند.

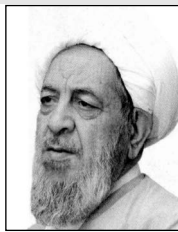
با توجه به این موضوع، با فرد غیر مسلمانی که مرتکب رفتار توهین آمیز به مقدسات دیگر کشورها می شود چه شیوه رفتاری را باید به کار برد؟

کسانی که خارج از دین اسلام، اقدام به انجام چنین اهانت هایی می کنند نیز مهدورالدم هستند. این موضوع در شرایطی قابل اجراست که توهین تنها از سمت و سوی یک نفر به انجام برسد ولی در مورد فیلمی که ساخته شده یک دولت درگیر این ماجراست چرا که توهین به خواست و با سرمایه او صورت گرفته است.

مسلمانان در مقابل توهینی که از طرف یک دولت سلطه گر بوده چه تکلیفی دارند؟

بهترین نوع اعتراض به این اقدامات تظاهرات و راهپیمایی است. البته تظاهراتی که باعث وخامت اوضاع نشود. ولی دولتمردانی که چنین سرمایه های هنگفتی را برای این رفتارهای توهین آمیز هزینه می کنند بهتر است از خود بپرسند که آیا مسلمانان به پیامبران آنها توهین می کنند که آنها دست به چنین اقدامی می زنند؟ به هر حال آنها معتقد به موسی کلیم هستند. در قرآن کریم بارها از موسی به نیکی

گفت و گویی با آیت الله محمد هادی فقهی، مترجم کتاب «سنن النبی»



یاد شده است. در واقع اگر قرآن نبود اسم این انبیا از تاریخ بشر محو می شد. این قرآن و پیامبر اسلام بودند که انبیای پیش از پیامبر را نگاه داشته اند. در عصر جاهلیت که بت پرستی رواج داشت خداوند در آیه ۱۰۸ سوره انعام می فرماید: "شما مومنان دشنام به آنان که غیر خدا را می خوانند ندهید تا مبادا آنها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند. همچنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده ایم پس بازگشت آنها به سوی خداست و خدا آنان را به کردارشان آگاه می گرداند."

در مورد پیامبر نیز چنین موضوعی حاکم است. در مورد شیوه رفتار با این اقدام دولتمردان صهیونیسم باید تامل کنیم که اگر پیامبر بودند چه واکنشی نشان می دادند. این در حالی است که ایشان در زمان خودشان توهین های بسیاری را شنیدند و تحمل کردند. بنابراین بهترین نوع برخورد این است که رفتارهای توهین آمیز آنها را مودبانه و عالمانه جوابگو باشیم.

ایده ترجمه کتاب "سنن النبی" چگونه شکل گرفت؟

اطلاع داشتم که علامه طباطبایی کتابی به زبان عربی و با عنوان "سنن النبی" تالیف کرده است. خدمت ایشان رفتم و اجازه خواستم تا این کتاب را به فارسی برگردانم. علامه آن کتاب را به یکی از دوستان خود امانت داده بود که همان روز به طور اتفاقی و در همان ساعت حضور من در نزد علامه او هم حاضر شد. علامه قصد من را به او توضیح داد و خواست کتاب "سنن النبی" را به امانت به من بپردازد. این امانت نیز به مدت ۳ سال در اختیار من قرار گرفت تا به سر منزل مقصود رسید.

چرا عنوان کتاب "سنن النبی" انتخاب شد؟ مرحوم مجلسی، "حلیه المتقین" را به تحریر درآورده است و از عنوان و مضمون کتاب این طور برمی آید که اعمال مستحبی پیشوایان دین است. منظور از "سنن"، آداب است. حتی علامه طباطبایی نیز در دستخطی که در ابتدای کتاب آمده است، این موضوع را یادآور شده اند که "سنن النبی" مجموعه اعمالی است که پیامبر اسلام (ص) به انجام آنها مداومت داشت.

البته اشاره کنم که مسعود فقهی (از اقوام نزدیک ما)، کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و در آمریکا به چاپ رسانده است.

خود شما پس از ترجمه این کتاب، چه برداشت متفاوت و جدیدی از پیامبر (ص) پیدا کردید، برداشتی که قبلاً آن را نخوانده و نشنیده بودید؟

ما شاید مسئله اخلاق پیامبر اسلام را آن طور که باید و شاید درک نکرده ایم و دلیل اصلی آن می تواند عدم درک صحیح معنا و مفهوم اخلاق باشد. از یکی از زوجات پیامبر اسلام (ص) پرسیدند اخلاق پیامبر به چه صورت است؟ زن در جواب از او پرسید: آیا قرآن می خوانی؟ مرد گفت: بله و زن پاسخ داد: اخلاق ایشان یعنی قرآن. حتی خداوند در قرآن فرموده است: آنک علی خلق عظیم. مردم شهرهای دیگر به مدینه می رسیدند و وارد جمعی که پیامبر در آن حضور داشت به دنبال او بودند و می پرسیدند کدامیک از شما پیامبر اسلام است. این، تواضع پیامبر را نشان می دهد یعنی بدون این که خود را برتر و والاتر از سایرین بدانند در کنار آنها می نشست و با آنها با تواضع و با خشوع رفتار می کرد و با توجه به جایگاهی که پیامبر نزد خداوند متعال داشتند، خضوع ایشان ستودنی است.

اظهارات حجت الاسلام زائری درباره عاشورای ششمی

لیوان یک بار مصرف تولید کرده اند با نقش «یا حسین»!

جنبه عمومی و اجتماعی پیدا می کند. این موضوع کاملاً متفاوت است چون جنس مناسکی و آیینی پیدا کرده و زمانی که امری، آیینی و مناسکی شد، کاملاً ماهیت آن تغییر خواهد کرد.

راه مقابله با این جریان ها چیست. چون عملاً می بینیم با وجود تذکر علماء و بزرگان و متفکران جامعه، جریان هایی هستند که راه خودشان را می روند و به نام حال و شور حسینی، کار خودشان را می کنند. دلایل دلی و فردی هم برای کارهایشان دارند؟

با این نوع حرکت ها باید با سازوکار سنتی و طبیعی خودش مقابله کرد. به این صورت که یک جریان آگاه و معرفت افزا و پیراینده ای باید به شکل جدی در فضاهای سنتی باشد و عالمان آگاه، این جریان ها را تقویت کنند و جلوی انحرافات را بگیرند. امروزه افراد آگاه این گونه حرکت ها را انجام نمی دهند، معمولاً این نوع حرکت ها، اتفاقاتی است که گاهی از پایین هم شکل می گیرد و کسی هم به آن توجه نمی کند. مثالی بزنم، چند وقت پیش کسی نذر کرده بود تعدادی لیوان یک بار مصرف را با نقش نام "یا حسین" در برخی هیئت ها پخش کرده بود. هیچ کس توجه نداشت که این لیوان یک بار مصرف بعد از استفاده در سطل آشغال انداخته می شود و این بی حرمتی به نام سیدالشهدا است. در این موارد من به عنوان یک هیئتی یا مدیر هیئت یا روحانی و خصوصاً منبری ها باید این آگاهی را به مردم بدهم. خیلی از مردم شاید روی سلامت نفس و اعتقاداتشان به صرف این که این موضوع، موضوع مذهبی و دینی است به آن توجه نشان می دهند اما باید یک سازوکاری وجود داشته باشد که فضای هیئت ها، مجالس مذهبی و روحانیونی که در این مورد نقش آگاه سازی را دارند، به این موضوع ها توجه کنند.

به نظر شما چرا باید موضوع عاشورای ششمی را موضوع مردودی دانست؟

عاشورای ششمی و موضوعات مشابه که متأسفانه گاهی هم شکل افراطی و انحرافی پیدا می کند همه اینها حرکت های خطایی است که متأسفانه چون جنبه دینی و مذهبی دارد، کسی برخورد جدی با آن نمی کند و بزرگداشت عاشورای ششمی هم از همین قسم رفتارها و کارهاست. ظاهرش دینی است اما یک انحراف و خطای استراتژیک و راهبردی در احیای شعائر در آن نهفته است. یک دلیل آن است که عاشورای قمری را به مرور کم رنگ می کند. اگر این طور باشد، باید عاشورای میلادی هم در کشورهای اروپایی برگزار شود یا مثلاً یکی نماز را به عربی، یکی به فارسی و یکی به انگلیسی بخواند. این حرکت ها، حرکت هایی است که ظاهرش نشان نمی دهد اما در باطن قدم های کوچک و ظاهراً کم اهمیت اما بسیار خطرناکی وجود دارد که دارد در اصل مناسک دینی زاویه ایجاد می کند و من معتقدم که خیلی جدی باید با آن برخورد کرد و در مقابلش ایستاد.

از سوی دیگر هر مساله ای که وحدت مسلمانان را از میان ببرد، خطرناک است. همه مسلمانان در همه عالم باید فقط در روز عاشورای قمری به عزاداری بپردازند و آن روز را برجسته کنند و جلوه بدهند. حرکت هایی مانند مراسم گرفتن در عاشورای ششمی که به شکل پراکنده انجام می شود، منطقی نیست. البته ممکن است شخصی در خانه خودش بخواد هر روز، زیارت عاشورا بخواند و گریه کرده و عزاداری کند، این هیچ اشکالی ندارد زیرا این حرکت فردی است اما وقتی به عرصه اجتماع وارد می شود، قضیه تفاوت کرده و



بنابراین در هنگام ظهور بدعت ها، عالم آگاه و دین شناس و دردمند باید به میدان آمده و مقابله کند. خطر این قضایا هم این است که مسیر اصلی تکریم شعائر که احیای دین به آن وابسته بوده و بسیار هم حیاتی و مبنایی است باید توسط اهل بیت و در سیره آن ها تعریف شود. ما در همه مسائل و به ویژه موضوعات دینی باید به سیره اهل بیت نظر کنیم و ببینیم آن ها چه کرده اند. اتفاقاً وقتی که موضوع جنبه دینی پیدا می کند خطر بیشتر است.

در سیره اهل بیت، عاشورا به عنوان یک روز تقویم قمری چگونه تعریف شده است؟

در سیره اهل بیت، عاشورا باید به عنوان روز عاشورا در ماه قمری برجسته شود و تفاوت کاملاً محسوس با بقیه روزهای سال داشته باشد. اساس حفظ اسلام و آیین شیعه در حفظ، احیا و زنده نگه داشتن عاشوراست و انقلاب اسلامی و حضرت امام نیز به طور خاص به بزرگداشت این روز و تعظیم و تکریم آن توجه داشته اند. در فضای سنتی ماده روز اول محرم یا اربعین و امثال این ها مورد توجه است. این روزها کاملاً با بقیه روزهای سال متفاوت است. این تضاد، اختلاف و متفاوت بودن این روزها با بقیه روزهای سال باعث شده است که این روز بسیار اهمیت داشته باشد. لذا در سیره اهل بیت هم خیلی به این موضوع تأکید شده است. راجع به شهادت هیچ کدام از ائمه بزرگوار ما حتی امیرالمومنین یا رحلت پیامبر اکرم (ص) که اساس خلقت است، چنین تأکیدی نشده است. امام باقر (ع) وقتی در مدینه بحث عزاداری خود را مطرح می کند می گوید تا ده سال عزاداری کنید. زمان و قید مشخص می کند. تمام اصرار ما این است که آن چیزی که قرار است برجسته شود و در طول تاریخ تا قیامت برای آن عزاداری، سیاه پوشی و مراسم یاد سیدالشهداء برگزار شود، به طور خاص روز عاشوراست که باید همه عالم متوجه این روز باشند.

در سالیان گذشته شاهد پدیده های جدیدی به نام ترویج دین بوده ایم که طراحان آن اگر چه شاید نیت منفی نداشته اند اما عملشان آثار سوء فراوانی را در جامعه به بار آورده است. از موضوعاتی همچون مناسبت سازی، دهه سازی، کشف سالگردهای غیر مرسوم گرفته تا جدیدترین پدیده آن یعنی عاشورای ششمی از جمله این مسائل است.

عاشورا به روایت تقویم ششمی، از دو سال گذشته توسط برخی مداحان در جامعه مطرح شده و چند سالی است روز ۲۱ مهرماه توسط برخی هیئت ها مراسمی برای بزرگداشت این روز برگزار می شود. در این زمینه خبر آنلاین با حجت الاسلام دکتر محمدرضا زائری، نویسنده، فعال فرهنگی و مدیر مسئول مجله خیمه (نشریه هیئت های مذهبی کشور) گفت و گو کرده است که گزیده آن را با هم می خوانیم.

به نظر شما آیا توجه به عاشورای ششمی کار درست و مثبتی است؟

کار بسیار نادرست و خطایی است گرچه ظاهر مثبتی دارد و به ظاهر تکریم شعائر است اما اتفاقاً خطر این طور حرکت ها هنگامی که در ظاهر و پوسته دینی است، بیشتر می شود. علت برخورد شدید اهل بیت (علیهم السلام)، پیامبر اکرم و سیره عملی شان با حرکت هایی که ظاهر دینی داشتند اما بدعت بودند به خاطر این است که نوعی انحراف در اساس موضوع ایجاد می کند. یعنی یک حرکت نادرست در تکریم شعائر، اصل تکریم شعائر را که یک مبنای دینی جدی برای ما است، تحت الشعاع قرار می دهد و به انحراف می کشد.

پیامبر اکرم (ص) به ما دستور داده و گفته اند که اِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمَ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ هرگاه بدعت ها در میان اتمم پدیدار شوند، بر عالم است که علم خود را آشکار سازد. هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

گفت و گویی با حاج حسین مهدیان، از بنیانگذاران دفتر نشر فرهنگ اسلامی و مبارز دوران پهلوی



را در تنگنا قرار دهد اما مردم با ایمان در سخت‌ترین شرایطی که گرانی بیدار می‌کند، دارند تحمل می‌کنند. با این که دولت یارانه می‌دهد اما مردم سه برابر گران‌تر می‌خرند اما باز هم در این شرایط مقاومت می‌کنند. این واقعا لطف خداست، البته ما باید سعی خود را انجام دهیم که فشاری که به مردم می‌آید، غیرقابل تحمل نشود، چون اگر به مردم خیلی فشار بیاید

و نتوانند تحمل کنند، دیگر جمع کردنش خیلی سخت خواهد شد و دشمن به دنبال همین است. دشمن با زیاد کردن فشار تحریم می‌خواهد مردم را نسبت به دولت و بالاتر و بالاتر به مقام رهبری که اوج علاقه و اعتقاد و ایمان مردم هستند، بدبین کند، زیرا رهبری نقش اصلی در حفظ انقلاب و نظام دارند. بنی‌صدها آمدند و رفتند، فتنه ۸۸ شد و گذشت، ولی ایشان سکان کشتی را به دست گرفتند و ایستادند. اول با عنایت خدا و بعد با حمایت مردم و اینجاست که مسئولیت‌ها خیلی سنگین می‌شود که ان‌شاءالله با درک دقیق موقعیت و حرکت در پشت سر رهبری به نتیجه برسیم و فشار دشمن را خنثی کنیم.

آقای مهدیان! یکی از مشهورترین چیزهایی که در مورد شما می‌گویند این است که گفته می‌شود شما در دوره‌ای در سال ۱۳۵۸، روزنامه کیهان را خریدید. موضوع چه بود؟

این خرید روزنامه کیهان را روزنامه آیندگان و چپی‌ها شایعه کردند. زمانی که بعد از پیروزی انقلاب، مصباح‌زاده، مالک کیهان و دوستانش از کشور فرار کردند یک مقدار زیادی بدهکاری داشتند و سفته داده بودند، سفته‌ها به اجرا گذاشته شده بود. جوان‌های انقلابی که رفته بودند کیهان تا کار را شروع کنند، در مانده شده بودند. از من خواستند مشکل مالی کیهان را حل کنم.

دقیقا چه کسانی این را از شما خواستند؟
 شهید باهنر و بالاخره دوستان و کسانی که ما را می‌شناختند، این را گفتند. من این مشکل را با سفته حل کردم، آنجا فروشنده‌هایی که ما را می‌شناختند و امضای ما را قبول داشتند و احترام قائل بودند، سفته‌های طولانی مدت ما را قبول کردند.

مبلغ آن سفته‌هایی که شما دادید، چقدر بود؟
 آن زمان ۷۰ میلیون تومان که البته همه را از درآمد کیهان بعدها پرداخت کردیم، ولی یک سری روزنامه‌های چپی شایعه کردند مهدیان کیهان را خریده است، در صورتی که ما از آبرویمان استفاده کردیم. بالاخره زمانی آبرو بیشتر از سرمایه کار می‌کند. به ما اعتماد داشتند و بدون گرفتن وثیقه‌های معمول کار ما را انجام دادند، من هم دیدم بهتر است ما هم این اعتماد را صرف انقلاب کنیم تا جاهای دیگر.

نمی‌ترسیدید به خاطر این سفته‌ها کارت‌تان به زندان بکشند؟

من به خدا توکل کردم. خداوند به بندگانی که علاقه داشته باشد مراجعات مردم را به او ارجاع می‌دهد و اگر عملکرد او خوب بود، این روند ادامه خواهد داشت اگر هم نبود، از او می‌گیرد و به دیگری می‌دهد. فرض کنید اگر من آنجا نمی‌رفتم و می‌ترسیدم جایی که آن همه کارمند و تشکیلات داشت اعصاب می‌کردند باز یک باری می‌آمد روی دوش دوستان که خودشان هزار مشکل داشتند. هرکسی در توان و موقعیت خودش مسئول است و اگر شانه خالی کند، خدای نکرده پیش وجدان خود و در پیشگاه خدا باید پاسخگو باشد.

یکی دیگر از اقدامات شما کمک به تاسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی به عنوان یک ابر انتشاراتی مذهبی در سال‌های قبل از انقلاب بود. این دفتر چطور تاسیس شد؟

شهید باهنر نقش اصلی را در تاسیس دفتر نشر

داشتند. ما یکسری جلسات داشتیم، شهید باهنر آن زمان با آقای برقی و دوستانشان در خیابان روزولت سابق بودند. بحث بر سر نیاز جامعه بود. آنها خوب می‌دانستند نیاز جامعه چه هست. عمیق فکر می‌کردند. دوراندیش و واقع بین بودند و با این دوراندیشی به تاسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی رسیدند. حساب کردند و دیدند به یک میلیون تومان سرمایه نیاز دارند. ایشان از من دعوت کردند و من هم آن مبلغ را طی ده فقره چک روز بعد دیدار تقدیم کردم. البته اینها همه عنایت خداوند است و اینطور نبود که بخوایم حساب کنیم این پول را بدهیم یا از درآمدش استفاده کنیم، حتی رسید هم نگرفتیم.

این برای چه سالی بود؟
 سال ۵۳ و الان می‌خواهیم برای نکوداشت سی و هشتمین سالگرد تاسیس دفتر، یک مراسم یادبود برگزار کنیم و از کسانی که قلم زدند و در این راه همراهی کردند، تجلیل کنیم.

به یادماندنی‌ترین روزی که در دفتر نشر فرهنگ اسلامی داشتید چه روزی بود؟

یک روز شهید بهشتی آمدند و خیلی خوشحال بودند و با آن صدای مخصوص و تن صدایی که هنوز یادم هست، گفتند از امروز ما ده میلیون مخاطب نوجوان داریم.

فکر می‌کنم اشاره‌شان به این بود که توانستند کار تالیف کتاب‌های مذهبی درسی در وزارت آموزش و پرورش را بگیرند در زمان رژیم سابق؟
 بله، همین طور است. خدا می‌داند با چه تدابیر و ظرافتی وارد کتاب‌های دینی شدند. آنها می‌دانستند باید روی بچه‌ها کار کرد و اثر آن راهم در انقلاب دیدند. شما اگر آن زمان می‌خواستید یک کتاب چاپ کنید اگر داخلش یک جمله جهاد یا شهادت داشت جان به لب می‌رسید تا چاپ شود. ساواک اذیت می‌کرد و حساسیت فوق‌العاده داشت، ولی این عزیزان توانستند در یکی از

کلیدی‌ترین دستگاه‌های رژیم نفوذ کنند و کار تالیف کتب درسی مذهبی کشور را انجام بدهند. این حلقه تالیف کتاب‌های درسی هم از درون دفتر نشر فرهنگ اسلامی شکل گرفت. جالب است بدانید شهید باهنر حتی زمانی که رئیس جمهور شدند و تمام نهادهای آموزشی و فرهنگی زیر نظر ایشان بود، باز به دلیل علاقه‌ای که به دفتر نشر داشتند مسئولیتشان را رها نکردند. این برای همه معما شده بود. نیمه‌های شب می‌آمدند اسناد را امضا می‌کردند. خیلی راحت بود که اختیاراتش را به کس دیگری واگذار کند، اما معلوم شد این دفتر برای ایشان چیز بسیار باارزشی بود که این طور به آن اهتمام داشتند. دفتر نشر فرهنگ اسلامی در واقع وسیله‌ای شد که پایه‌های فکری انقلاب اسلامی و نهضت روحانیت را ساخت.

زمانی که حادثه شهادت ایشان پیش آمد در زادگاه شهید باهنر در کرمان، یک نکوداشت گرفتند. در آنجا یک پلاکارد دیدم که مقام معظم رهبری فرموده بودند محمدجواد باهنر طراح فکری نظام جمهوری اسلامی ایران بود. مقام معظم رهبری این لقب را به هیچ‌یک از شهدا ندادند، پس معلوم است آنهایی که در مبارزه بودند سطحی کار نمی‌کردند.

دفتر نشر فرهنگی الان هم مثل آن موقع خروجی و بازدهی دارد؟

شرایط الان از آن زمان سخت‌تر است؛ تهاجم فرهنگی آمده، ماهواره‌ها تمام نیرویشان را گذاشته‌اند که عقیده را از بین ببرند و به سوی پوچی و بی‌بندوباری روند. الان مسئولیت به مراتب بیشتر شده. درست است که نظام اسلامی شده است، اما از آن طرف دشمن فهمیده از کجا ضربه خورده و شب و روز روی همان کار می‌کند. الان تکلیف همه از جمله رسانه‌ها و روزنامه‌هاست که بتوانند این

تهاجم فرهنگی گسترده و دائم را مهار کنند.

شما فکر می‌کنید راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی و این آسیب‌هایی که گفتید چه باشد؟

اگر ما و مخصوصاً جوانان به منش بزرگانی که در گذشته بودند عمل کنیم در همه ابعاد زندگیمان تأثیر خواهد داشت و مشکلات فرهنگی ما مهار خواهد شد، چون اصل سرمایه‌گذاری دشمن روی مسائل فرهنگی و بخصوص جوانان است. الان مشکلات مسکن، جهیزیه و ازدواج هست و چیزی که من به عنوان یک فعال اقتصادی و کسی که عمرش را در این راه صرف کرده و جامعه را هم می‌شناسم، این است که صندوق‌های قرض الحسنه ما باید هرچه زودتر تقویت شود. گسترش فرهنگ قرض الحسنه می‌تواند خیلی از مشکلات فرهنگی که در ظاهر ربطی به اقتصاد ندارد حل کند. الان متأسفانه صندوق‌های قرض الحسنه زیر ضربه است. این را من، یک جهاد فوری می‌دانم.

اگر یک نویسنده جوان گمنام برای چاپ اثرش به شما مراجعه کند ملاک شما برای قبول کردن او چیست؟

ما یک هیات تحریریه داریم متشکل از آقایان اشعری، مختاری، چینی فروشان و... که آثار را برای تأیید آنجا می‌فرستیم.

چه کسانی این افراد را تعیین کردند؟

دفتر نشر یک هیات امانا دارد که در اساسنامه آن نوشته شده است پس از انحلال به مقام رهبری واگذار می‌شود، اما اخیراً ما اجازه خواستیم این اساسنامه را تغییر دهیم تا بتوانیم قبل از انحلال، اداره امورات را به رهبری بسپاریم.

پس این افراد را آقا تعیین می‌کنند؟
 بله، زیر نظر ولایت فقیه است.

از چه سالی؟

دو یا سه سالی می‌شود. در هر صورت اثر در تحریریه بررسی می‌شود اگر خوب باشد تأیید می‌شود. **افراد هیات تحریریه قبل از انقلاب چه کسانی بودند؟**

شهید باهنر، آقای برقی، شهید بهشتی و مرحوم آقای گلزاده غفوری که کتاب ایمان آورده‌ها را نوشته‌اند.

شما توسط گروه فرقان ترور شدید. آیا فکر می‌کنید امکان ظهور دوباره این گروه افراطی حالا به شکل دیگر وجود دارد؟ زمینه‌هایش هست یا کاملاً از بین رفته؟

بارها گفتیم رسوبات آنها هنوز باقی مانده. من سر همین کوچه رامین ترور شدم و الان هم سحرها که به مسجد می‌روم هیچ محافظی ندارم. اگر عمری بوده خدا حفظ کرده، عمر ما ارزشی ندارد. حالا یک چند سالی بیشتر و در بستر مردن، آخرش چه؟ اگر از خون ما رویشی دیگر باشد آن ارزش دارد. اصل تفکر فرقان حذف شده است، چون کسی که منطقی و استدلال نداشته باشد حذف می‌شود. حالا بیایند و بکشند. شما فکر می‌کنید اگر امام حسین (ع) کشته نمی‌شد آن اثری که الان خون شهدا دارد باز هم بود؟ اگر زینب (س) مانند همه از دنیا می‌رفت آیا پیامش ماندگار می‌شد؟ همان خطبه‌ای که حضرت زهر (س) در مسجد خواند زینب (س) در چهار پنج سالگی در ذهن خود ثبت کرد و به تاریخ تحویل داد. این زینب ارزش دارد. آن نماز شب یازدهم که رمقی در بازوان بی‌بی نمانده بود بعد از تحمل آن رنج‌ها و سختی‌ها ارزش آور است. شما می‌بینید هنوز بعد از گذشت چند قرن محرم که می‌شود چهره مملکت عوض می‌شود، اینهاست که ماندگار شده، نه یک سری استدلال‌های پوچ و بی‌اساس. آنچه همیشه باقی می‌ماند اسلام اصیل است.

و... آرزوی باقیمانده حاج حسین مهدیان؟
 من همیشه از خدا خواستم مرگ مرا در بستر قرار ندهد.

پایگاه خبری عربی پرس در مقاله‌ای به قلم احمد نظیف نوشت که عربستان، قطر و کشورهای حوزه خلیج فارس با حمایت های مالی خود خواهان گسترش تفکرات سلفی در تونس هستند. وی در این مقاله به تشریح فعالیت‌های فرهنگی وهابی‌ها در تونس پرداخته و با ارائه دلایل روشن از صرف هزینه‌های کلان مالی شیوخ حوزه خلیج فارس و اروپا برای گسترش وهابیت در تونس و ایجاد درگیری‌های مذهبی در این کشور پرده برداریم.

دلارهای نفتی در خدمت وهابیت

کمال ساکری، محقق و پژوهشگر تونس‌سی می‌نویسد: تونس هم اکنون با توطئه‌ای به تمام معنای کلمه روبروست، چرا که وهابیه با کمک دلارهای نفتی و حمایت شیوخ حوزه خلیج فارس جای پای خود را در این کشور محکم کرده‌اند و بیم آن می‌رود که فرهنگ، مساجد و ذهن دختران و پسران این خطه را به تسخیر خود درآورند.

در همین راستا شیخ عبد الفتاح مورو، رهبر برجسته جنبش النهضة و رئیس دو سوم ائتلاف حاکم در گفت‌وگو با رادیو شمس اف ام از توطئه عوامل عربستان برای گسترش تفکرات رادیکال وهابی‌ها در این کشور پرده برداشت. وی در پاسخ سوآلی مبنی بر اینکه آیا چهره‌های مذهبی و مبلغان سعودی در پی گسترش وهابیت در تونس هستند، گفت: این افراد، جوانان کم آشنا به مسایل دینی و تازه به سن تکلیف رسیده را شناسایی و اصول تفکرات حنبلی را به آنها می‌آموزند تا در آینده از قدرت تأثیرگذاریشان بهره‌مند شوند.

روزی نمیگذرد که مبلغان و چهره‌های سرشناس وهابیت از جمله "وجدی غنیم" و "عائض قرنی" و ... به سخنرانی و تشکیل جلسات بحث و گفت‌وگو در این کشور نپردازند. دسته سوم و البته خطرناکتر آنهايي هستند که هر از چند گاهی در تونس حضور یافته و بر دوره‌های آموزشی گسترش تفکرات سلفی وهابیت نظارت می‌کنند.

رخنه وهابیت در تونس

سعودی در ماه رمضان برای ایراد سخنرانی و آموزش تفکرات سلفی وهابیت وارد پایتخت تونس شد. این شخص همچنین در چهارمین نشست تبلیغی وهابیون حضور یافت. (۱۶ اوت - حی تضامن - میدان هیشر تونس).

در همین ماه، فهد زلفاوی به دعوت انجمن وهابی "طریق الارتقاء" که با پول قطر و عربستان تغذیه می‌شود، وارد شهر تطاوین در جنوب تونس شد و فعالیت‌های تبلیغی زیادی را در مسجد عباس به انجام رساند. باید گفت کمی پیشتر، جریان سلفی با در اختیار گرفتن این مسجد به مقام "عبد بوجلیده" تعرض کرده است.

نور الدین خادمیم وزیر امور دینی تونس در مصاحبه با شبکه فرانس پرس گفته است که مساجد کانون مبارزات سیاسی نبوده و باید محلی برای تبلیغ ارزش‌های دینی، همچون گذشت و احترام به یکدیگر باشد.

خادمی، با بیان اینکه از ۵۰۰۰ مسجد تونس ۴۰۰ تای آن در اختیار سلفی‌هاست می‌افزاید: حدود ۵۰ مسجد تشنج آفرین هستند و در این میان بیشتر تظاهرات سلفی‌ها از مسجد فتح آغاز می‌شود.

اقدامات سلفی‌ها در ویتترین تحولات

سیاسی تونس

ذکر این نکته نیز ضروری است که اخیراً گروه‌های تندرو سلفی، تظاهرات فرهنگی تونس را آماج حملات خود قرار داده‌اند.

در ۱۶ اوت ماه جاری، ۲۰۰ سلفی مسلح به بهانه حمایت نظام سوریه از سمیر قطار، اسیر سابق لبنان در سرزمین‌های اشغالی با در دست داشتن چوب و سنگ و قمه، به حاضران در جشنواره "حمایت از اقصی" در شهر بنزرت حمله کردند که در این میان چهار نفر از جمله یک افسر پلیس زخمی شدند.

در ۱۵ اوت، مراسم اختتامیه جشنواره بین المللی موسیقی صوفیانه و روحانی در قیروان برگزار شد. در این مراسم سلفی‌ها مانع از آن شدند که گروه موسیقی ایرانی برنامه خود را اجرا کنند. بهانه آنها این بود که این گروه شیعه هستند. روز قبل از این تاریخ نیز سلفی‌ها در شهر بورقبیه از توابع استان بنزرت مانع از اجرای برنامه لطفی عبدلی، کم‌دین تونس‌سی شدند و وی را به دین ستیزی متهم کردند.

خیریه، مرکز دیگری است که در خدمت وهابیت قرار دارد. نسبت این انجمن که دارای رویکرد سلفی و سروری است، به محمد سرور زین الدین روحانی سوری وابسته به اخوان المسلمون است که بعدها از آنها جدا شد. البته "سروریه" هم یکی از شاخه‌های وهابیت به شمار می‌رود که تفکرات اخوانی و سلفی را با هم داراست.

این انجمن که بعد از سقوط نظام تونس به وجود آمده در تمام مناطق این کشور شعبه داشته و میلیون‌ها دلار از انگلیس و به طور خاص از مؤسسه "منتدی الاسلامی" که دارای رویکرد وهابی سروری است دریافت می‌کند. دیگر آنکه برای شرکت نشر و توزیع بیان که به چاپ کتاب‌های وهابیت می‌پردازد بازاریابی می‌کند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به تألیفات ابن عبد الوهاب، ابن تیمیه و آلبانی اشاره کرد. این انجمن علاوه بر فعالیت‌های به ظاهر خیریه، به منظور برگزاری دوره‌های آموزشی، ده‌ها تن از مبلغان و بزرگان وهابی کشورهای حوزه خلیج فارس و طلبه‌های تونس که در شام و کشورهای مذکور تحصیل کرده‌اند را به تونس دعوت می‌کند. این مرکز اخیراً نیز از ابوسفیان سلمی، چهره سلفی بحرین درخواست نموده است تا به تبلیغ وهابیت پرداخته و با شیعه مبارزه کند.

جالب‌تر آنکه شعبه این انجمن در شهر سوسه از ۱۵می ۲ ژوئن دوره آموزش سحر و جادو را زیر نظر خالد الحیشی وهابی سعودی متخصص در زمینه (جادوگری و طلسم) برگزار نموده است. این شخص همان خطیب مسجد سلمان در شهر جدّه عربستان است.

شعبه مذکور از ده‌ها مبلغ وهابی همچون طلال دوسری، عبدالعزیز بن نوفل و محمد موسی شریف دعوت به عمل آورده است. شعبه شهر "منستیر" هم پذیرای زکی الیحیی، خطیب مسجد سوق دخلانی در "مکنین" بوده است. در همین راستا انجمن مذهبی نویسندگان اهل تسنن قیروان هم از محمد بن عبدالله الدویش متخصص حوزه کودکان دعوت نموده تا دوره‌هایی را در این باره برگزار نماید. در ماه مارس گذشته هم بخش زنان انجمن اسلامی خیریه زیر نظر ام بتول، دوره آموزش حجامت را برگزار نمود.

شیخ عبد المجید منصور از دیگر وهابیون

نقش انجمن‌های مدعی اسلام در گسترش تفکرات سلفی

در همین راستا از زمان سقوط نظام حاکم، ده‌ها نفر از این افراد بر دوره‌های شرح و تفسیر کتاب‌های محمد بن عبد الوهاب، بانی وهابیت، ابن تیمیه و وهابی‌های دیگر همچون ابن باز، آلبانی و ابن عثیمین نظارت داشته‌اند. در این باره انجمن اسلامی ابن ابی زید قیروانی در حی خضراء به داشتن رویکرد سلفی و وهابی خود معروف شده است. این انجمن در مقام نظارت بر کمیته مساجد حی خضراء، بر تمام مساجد این منطقه سیطره یافته است. اخیراً مرکزی به نام آکادمی علوم دینی ابن ابی زید قیروانی تأسیس شده و در سایت آن آمده است که شیخ احمد بن عمر حازمی از وهابی‌های سعودی، تدریس در این نهاد دینی را برعهده دارد. این فرد با الهام از اصول فکری استادان برجسته وهابی خود همچون ابن باز، عثیمین و... دوره‌های علمی را برگزار می‌کند.

با نگاه به مضامین این اصول فکری در می‌یابیم که حازمی، با برگزاری این دوره‌ها به بیان تفکرات سلفی وهابیت می‌پردازد. بر پایه این تفکرات، دیگر مذاهب اسلامی همچون شیعه، تصوف، اشعری و دیگر شاخه‌های مخالف وهابیت از هیچ جایگاهی برخوردار نیستند.

فعالیت حازمی و مؤسسه وی به مراکز داخلی تونس محدود نشده است. وی در مسجد "الرحمه" واقع در حی خضراء به شرح کتاب "توحید" محمد به عبدالوهاب می‌پردازد و در جنوب کشور، شرح کتاب "سرشناسان فرقه پیروز" که در آن بی‌پرده به مبارزه با مذاهب مخالف وهابیت تأکید شده را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

فعالیت مؤسسه به اینجا ختم نمی‌شود چرا که با فراهم نمودن مسکن و امکانات رفاهی برای افراد، آنها را به پایتخت کشانده تا با اندیشه‌های وهابی آشنا شوند. این مرکز با فراهم کردن زمینه اقامت طولانی مدت افتخاری برای شیخ حازمی به وی امکان می‌دهد با برگزاری ده‌ها دوره به تبلیغ تفکر سلفی وهابیت بپردازد.

انجمن اسلامی خیریه "دومین مرکز تبلیغ افکار سلفی در تونس"

از این مؤسسه که بگذریم انجمن اسلامی

محبوبیت روزافزون جنبش جهاد اسلامی در فلسطین

نزد ملت فلسطین محبوب کرد.

این تردیدها به همان میزان از محبوبیت حماس نیز کاست تا جاییکه تازه‌ترین نظرسنجی که مرکز مطالعات حقوق بشر رام... در اواخر فرودین ماه گذشته، اعلام داشت که نظرسنجی این مرکز، نشان دهنده افزایش محبوبیت جنبش جهاد اسلامی و کاهش ۱۰ درصدی جایگاه جنبش فتح در میان ساکنان نوار غزه و کرانه باختری است. از برجسته‌ترین نکات این نظرسنجی، اختلاف ۳ درصدی محبوبیت جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس است. این امر در شرایطی روی داده است که جنبش جهاد اسلامی تاکنون در هیچ انتخاباتی شرکت نموده و به علت داشتن ملاحظات خود در خصوص توافقنامه سال ۱۹۹۳ اسلو، در پیکره حکومت و پارلمان فلسطین هیچگاه سهمی برای خود قائل نشده است. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در حالی سخن از مقاومت مسالمت آمیز به جای مقاومت مسلحانه می‌زند که این جنبش جهاد اسلامی بود که با انتفاضه اخیر اسرا نحوه بکارگیری مقاومت مسالمت آمیز در رویاروی با اشغالگران به ظهور گذاشت.

رادیو ارتش اسرائیل نیز در تاریخ ۱۵ مه‌ماه ۱۳۹۱ به نقل از دوایر امنیتی اسرائیل نسبت به افزایش محبوبیت جهاد اسلامی در نزد افکار عمومی فلسطین ابراز نگرانی کرد.

این رادیو به نقل از فرماندهان نظامی اسرائیل گزارش داد: ارتش به شدت نگران تقویت تجهیزات جنبش جهاد اسلامی فلسطین و همچنین افزایش چشمگیر محبوبیت

و این اقدام او با تحسین و اقبال ملت فلسطین روبرو شد. حماس در دهه ۹۰ قرن بیستم و دهه اول قرن ۲۱ م تقریباً پرچمدار مقاومت ملت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی بود. در کنار حماس جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز با رویکردی اسلامی همواره در راس این رویارویی قرار داشت اما گستردگی سازمانی حماس از یک سو و پیگیری گزینه مقاومت از سوی دیگر هیچ‌گاه اجازه نداد جنبش جهاد اسلامی فلسطین در عده و عُده از جنبش حماس در فلسطین پیشی گیرد البته این هدفی نبود که رهبران دو جنبش دنبال آن باشند. لیکن در فلسطین تا پیش از وقوع بیداری اسلامی و تغییراتی چند در سیاست‌ها و رویکردهای حماس همه این جنبش را از هر حیث بر جهاد اسلامی برتری دیدند.

با وقوع بیداری اسلامی در منطقه که بدون شک متأثر از انتفاضه فلسطینیان و همچنین تأثیر گذار بر آینده انتفاضه نیز بود تغییراتی در درون جنبش حماس بوجود آمد که از دید رهبران این جنبش نه راهبردی که تاکتیکی است. این تغییرات ناظر بر این است که آنچه با توجه به شرایط کنونی منطقه به قضیه فلسطین کمک می‌کند دوری از مقاومت مسلحانه علیه رژیم اشغالگر قدس و نزدیکی با مقاومت مسالمت آمیز علیه اسرائیل است. ایجاد این تغییر در رویکرد جنبش حماس که به بروز اختلافاتی میان رهبران ارتش این جنبش اسلامی فلسطینی انجامید باعث شده که آینده مقاومت مسلحانه علیه اسرائیل نیز با تردیدهایی روبرو شود. مقاومتی که به زعم دوست دشمن تنها برگ برنده حماس طی دو دهه گذشته بوده و او را در

ده‌ها هزار فلسطینی در جشنواره ای که به مناسبت سی و یکمین سالروز تاسیس جنبش جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه برپا شد، مشارکت کردند که این مشارکت گسترده و چشمگیر پرسش‌هایی را در خصوص میزان مقبولیت گروه‌های مختلف فلسطینی در نزد ملت فلسطین مطرح کرد. به گزارش (قدسنا) براساس اخبار معمول در فلسطین، گروه‌هایی همچون فتح، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه مردمی و... به ترتیب رتبه‌های نخست از حیث تعداد کادر و تعداد هواداران و میزان مقبولیت و محبوبیت در نزد ملت فلسطین را دارا بوده‌اند.

در این میان جنبش آزادی بخش فلسطین (فتح) به عربی "حرکه تحریر الفلستینی" قدیمی‌ترین جنبش فلسطینی است که تا پیش از آغاز انتفاضه اول فلسطینی‌ها در سال ۱۹۸۷م بواسطه مبارزاتی که برای آزادی سرزمین فلسطین علیه اشغالگران انجام داده بود بیشترین محبوبیت را در نزد فلسطینی‌ها دارا بود اما با کناره‌گیری این جنبش از سیل خروشان انتفاضه ملت و رفتن به سوی روند مذاکرات سازش ارام ارام از محبوبیت این جنبش در نزد ملت فلسطین کاسته شد و به همان اندازه بر محبوبیت این جنبش قدیمی در نزد دول غربی و اسرائیل افزوده شد.

پس از فتح، جنبش حماس به دلیل همراهی با ملت فلسطین در انتفاضه اول (۱۹۸۷) ابتکار عمل را در رویارویی با اشغالگران فلسطینی به دست گرفت

این جنبش در بین فلسطینی‌ها است.

برپایه این گزارش، اسرائیل نگران آن است که افزایش محبوبیت جهاد اسلامی خاصه در نوار غزه جبهه جدیدی را علیه اسرائیل در کنار جبهه‌هایی همچون مصر در جنوب، سوریه و لبنان در شمال و خشم مردم فلسطین در داخل ایجاد کند. اسرائیلی‌ها اظهارات اخیر دکتر رمضان عبدالله شلح را که به مناسبت سی و یکمین سال تاسیس جهاد اسلامی ایراد شد و در آن با شوری حماسی ملت فلسطین را به مقابله مسلحانه علیه رژیم اشغالگر قدس فراخواند تأکیدی بر این مدعا می‌دانند که جهاد اسلامی رفته رفته جایگاه حماس را در فلسطین اذان خود کرده است.

جدای از این نظرسنجی‌ها و اظهار نظر‌ها بسیاری از فلسطینی‌ها معتقدند آنچه باعث تعطیلی روند رو به رشد قضیه فلسطین طی دو سال گذشته به رغم وقوع بیداری اسلامی شده توقف مقاومت مسلحانه علیه اسرائیل است. از همین رو به گروه‌هایی اقبال نشان می‌دهند که به گزینه مقاومت تمسک کرده‌اند و از مسیر آن خارج نشوند. گزینه‌ای که طی ۱۲ سال اخیر توانسته است دستاوردهای بی نظیری را در معادله نزاع با اسرائیلی‌ها برای آنان به ارمغان بیاورد. در حال حاضر گروهی که در فلسطین تنها و تنها به مقاومت مسلحانه برای آزادی فلسطین می‌اندیشد جنبش جهاد اسلامی است.

این مقبولیت را تصاویر تلویزیونی ثبت شده از مراسم سی و یکمین سالگرد تاسیس جنبش جهاد اسلامی به خوبی نشان داده است.

اردوغان تاریخ را از دست داده است



نیمه شهریور ماه ژنرال دیوید پترائوس رئیس سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به ترکیه سفر کرد اما ترکیه میزبان از روسای سازمان های اطلاعاتی قطر، عربستان و اردن نیز برای نشست استانبول دعوت کرده بود. در واقع پترائوس در نشست سران اطلاعاتی کشور های مخالف سوریه شرکت کرد. هر چند از دستور کار این نشست خبری منتشر نشد اما ۱۵ شهریور ماه یک نشریه فلسطینی از سفر معاون سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) به ترکیه و مذاکره با مقامات اطلاعاتی این کشور خبر داد.

حدود یک ماه بعد به بهانه شلیک چند گلوله خمپاره از خاک سوریه به ترکیه، آنکارا دستور بمباران هوایی و گلوله باران زمینی بر ضد سوریه را صادر کرد و پارلمان ترکیه که حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در آن اکثریت آرا را در اختیار دارد مجوز جنگ بر ضد سوریه را صادر کرد. مهلت این جواز یک سال تعیین شده است. هر چند برای فروکاستن اعتراضات مردمی بلافاصله اعلان شد که مصوبه پارلمان به معنی شروع جنگ با سوریه نیست اما در چند روز اخیر اردوغان از مردم ترکیه خواست برای جنگ آماده شوند و حتی گفت هر کس چنین نکند ترک نیست. (شاید به معنی اینکه ملیت ترکی ای ندارد یا جایگاهی در ترکیه ندارد، یا اینکه اردوغان علائقی ملی مخالفان جنگ را در ترکیه زیر سوال برد.)

موضع جنگی ترکیه از چیست

مشارکت فعال ترکیه در تلاش برای تغییر رژیم در سوریه بر کسی پوشیده نیست. ترکیه در کنار اسرائیل و عربستان و آمریکا و قطر در ۲۰ ماه اخیر در صدد تغییر حکومت سوریه بوده است و امید دارد در پروژه دولت سازی پس از بشار اسد سهمی داشته باشد. در این راه ترکیه به مکان آموزش تروریست ها و ماجراجویان بین المللی و به مسیر ترانزیت آنان به خاک سوریه تبدیل شده است. چنانکه حتی در مشارکتی بالاتر، جنگ چند ماهه ارتش سوریه در حلب (شهری نزدیک مرز با ترکیه) در واقع جنگ سوریه و ترکیه بوده است.

۱- اردوغان اگر از حمایت مردمی در ترکیه نسبت به سیاست جنگی بر ضد سوریه مطمئن بود سعی می کرد تمام دستاورد های احتمالی به نتیجه رسیدن سیاست خود را در انحصار شخص خود و حزیش نگهدارد. توسل وی به پارلمان به معنی مخالفت جدی افکار عمومی و سایر احزاب و گروه های ترکیه ای با سیاست نخست وزیر است. اردوغان با مصوبه پارلمان می خواهد سیاست خود را "سیاست ملی ترکیه" معرفی کند و در صورت شکست در سیاست هایش بار سرزنش ها را با دیگران تقسیم نماید. از این رو مصوبه پارلمان ترکیه ابزاری برای مشروعیت بخشی به سایت اردوغان تلقی می شود.

۲- مناقشه سوریه طولانی شده است و نقطه امید بخشی در افق دیده نمی شود و این خارج از محاسبات اردوغان و شرکای بین المللی اش بوده است. وقتی سیاستمداران در یک پروژه فرسایشی گرفتار می شوند رقبای سیاسی و افکار عمومی بحث "هزینه - فایده" را مطرح می کنند و روشن است که اردوغان تابحال فقط هزینه های ترکیه را بالا برده است بدون اینکه در افق سیاسی دستاوردی مشاهده شود. آتش زیر خاکستر پ ک ک زیانه کشیده است و هر روز افرادی را از پلیس و ارتش ترکیه قربانی می کند و نزد افکار عمومی ترکیه دولت اردوغان به سطح کارگزار سیاست آمریکا و اسرائیل تنزل یافته است. اردوغان مدعی است برای اشاعه دموکراسی و حکومت مردمی در سوریه تلاش می کند اما هر پنجشنبه - جمعه با الهام علی اف رئیس جمهور، جمهوری آذربایجان تخته نرد بازی می کند. علی اف همانقدر دموکرات است که بشار اسد اما چون علی اف با آمریکا و اسرائیل دوستی دارد لاجرم در جرگه دوستان اردوغان هم هست.

۳- در سیاست داخلی اردوغان با ارتش نیز

رابطه خوبی ندارد. بسیاری از امرای ارتش ترکیه در چند سال اخیر به اتهام شرکت در کودتاهای گذشته و یا تلاش برای کودتا در آینده بازداشت، محاکمه و یا بازنشسته شده اند. تعداد این افسران آنقدر زیاد است که ارتش ترکیه فاقد افسران حائز شرایط برای جایگزین کردن امرای سابق است. و این در حالی است که ارتش ترکیه در جنگ نیابتی در سوریه و جنگ با تروریست های پ ک ک درگیر است. بنابراین اردوغان ناچار است برای نجات خود و حزیش به تشدید شرایط جنگی در سوریه دامن بزند تا شاید مناقشه سوریه آنگونه که هدف گذاری شده به پایان برسد. مصوبه پارلمان دقیقاً برای این هدف بوده است. اگر ارتش ترکیه وارد سوریه شود یا مرزهای ترکیه و سوریه ناامن شود از فشار ارتش سوریه بر تروریست ها در حلب کاسته می شود و تروریست های القاعده و ماجراجویان بین المللی می توانند اهداف تعیین شده سعودی - قطری را آسانتر دنبال کنند.

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها
گرچه صدام حسین رئیس جمهور سابق عراق و اردوغان نخست وزیر فعلی ترکیه تفاوت های زیادی با هم دارند و جامعه ترکیه و عراق هم با هم متفاوتند اما حداقل در رفتار با همسایگان اردوغان راه صدام را می رود. صدام حسین به دلایل شخصی یا با اشاره شرکای بین المللی خود در سال ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد و در این حمله پول عربستان و کویت و نیروهایی از اردن و مصر در صف ارتش یعنی عراق حضور داشتند. بهانه صدام ادعاهای ارضی بود اما شرکای بین المللی

سودای سقوط دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران را در سر می پروراندند. یعنی ۳۲ سال پیش هم در حمله صدام به ایران بحث تغییر رژیم و دولت سازی در ایران مطرح بود و صدام حداقل در وهله اول سهم خود را به ادعاهای ارضی محدود کرده بود. در حال حاضر نیز اردوغان با همان بهانه های مرزی (شلیک خمپاره از خاک سوریه، پناه گرفتن تروریست های پ ک ک و مسائل انسانی آورانگان، مقابله با دیکتاتوری بشار اسد و...) زمینه حمله به سوریه را فراهم می کند. اینبار باز هم پول عربستان و قطر (به جای کویت) تروریست های القاعده به جای مزدوران مصری و اردنی و البته کمک و هدایت آمریکا مطرح است. پروژه هم همان تغییر رژیم و دولت سازی در سوریه است.

اردوغان تاریخ را از دست داده است

اردوغان اگر اردوغان دو سال قبل باقی می ماند، احتمال اینکه بعد از دوره زمامداری نیز عکس وی کنار عکس اتاتورک به عنوان یکی از سیاستمداران برجسته ترکیه قرار بگیرد وجود داشت اما اردوغان که با شعار به صفر رساندن اختلاف ها با همسایگان، دوستی ها با همسایگان را به صفر می رساند. می توانست منتقد دولت بشار اسد در سوریه باشد و ذولت و ملت سوریه را در رسیدن به هر آنچه درست می داند کمک کند اما راه مداخله و راه صدام را در پیش گرفت و خود را به سطح یک کارگزار سیاست های بین الملل تنزل داد. حسنین هیکل در وصف قرارداد کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل گفته است: مصر با امضای قرارداد کمپ دیوید تاریخ را از دست داد ولی جغرافیا (صحرای سینا) را بدست آورد. حال سئوالی که اردوغان باید جواب دهد اینست که در قبال از دست دادن تاریخ چه چیزی بدست آورده است و یا قرار است بدست آورد.

عزیز شاه محمدی

پادشاه بحرین «منطق فرعونی» دارد



سخنگوی ائتلاف انقلابی ۱۴ فوریه بحرین تأکید کرد: پادشاه بحرین در برخورد با ملت این کشور از منطق فرعونی استفاده می کند. عبدالرئوف شایب در گفتگو العالم اظهار داشت: تا زمانی که طغیانگران در دنیا وجود دارند و تا زمانی که نمایندگان دو جبهه موسی

(ع) و فرعون در جهان هستند، منطق فرعون هم وجود خواهد داشت.

وی در ادامه با اشاره به سفر هیأتی از مخالفان بحرینی به مصر، افزود: جنجالی که پادشاه بحرین درباره این سفر به پا کرده از دو جهت قابل بررسی است؛ نخست این که او می خواهد مردم را به بهانه گفتگو، به پذیرش خواسته خود وادار کند و دوم این که با برخورد خشن و امنیتی - که همه وزرا و فرماندهان نظامی همواره به استفاده از آن تهدید کرده اند - این انقلاب نوپا را سرکوب نماید.

سخنگوی ائتلاف انقلابی ۱۴ فوریه در ادامه تصریح کرد: طاغوت بحرین و مزدوران جیره خوار او، امتداد جبهه فرعونی هستند و انقلابیون بحرین، ادامه دهندگان راه موسی و عیسی (ع) و محمد (ص) و علی و حسین (ع) در جهان کنونی به شمار می روند و نبرد و رویارویی این دو جبهه تا ابد ادامه خواهد داشت.

عبدالرئوف شایب با اشاره به اظهارات پادشاه بحرین که انقلابیون را گروهی گمراه نامیده بود، گفت: از سردمداران رژیم جز این توقعی نمی رود. رژیم آل خلیفه که ۲۰۰ سال است خود را به زور بر مردم بحرین تحمیل کرده و برای ادامه حکومت خود از همه روش های سرکوب و شکنجه و قتل و هتک حرمت استفاده کرده، و چنین رژیمی هرگز نمی تواند تعابیری همچون "تمدن" یا اصلاح طلب را در مورد این ملت به کار ببرد و این نمونه دیگری از منطق فرعونی این رژیم در برابر مردم است.

وی در پایان تأکید کرد: انقلابیون بحرین تنها یک شعار سر می دهند و آن هیئات منّا الذلّه است و با سر دادن این شعار، می خواهند از تسلط کامل خاندان حاکم بر سرنوشت کشور و سوق دادن آن به سوی منافع صهیونیسم و آل سعود و امپریالیسم جهانی - و در رأس آن آمریکا که در خاک بحرین پایگاه نظامی دارد - جلوگیری کنند.

مرسی و ارزش های ثابت اخوان المسلمین یا تغییر رویکرد؟!

نادرست و محدود و مطابق با مفاهیم غربی باشند.

محمد مرسی با مقایسه قوانین اسلامی در ترکیه و مصر، تصریح می کند: دین رسمی در مصر اسلام است و شریعت اسلامی منبع اصلی قانونگذاری در این کشور محسوب می شود و این مسئله ای است که اسلامی بودن دولت مصر را به اثبات می رساند و دولت و حکومت قادر به تغییر آن نیست چون هویت امت را که برگرفته از وضعیت گذشته و حال آن است علی رغم اختلافات فکری و فرهنگی آن شکل می دهد؛ این در حالی است که اینک حزب عدالت و توسعه که پس از سقوط خلافت اسلامی و روی کار آمدن ملی گرایی در ترکیه، قدرت را در دست دارد همچنان لائیک بودن دولت و قانون اساسی را اصل قرار داده و تلاش دارد به سوی اروپا حرکت کند در حالی که اختلافی فاحش میان ملت مسلمان ترکیه و مردم اروپا از حیث اندیشه و رفتار وجود دارد.

وی در ادامه مقاله خود با اشاره به آیه ۱۷ سوره رعد (فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ) اما کفها به بیرون پرتاب میشوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین میماند، خداوند اینچنین مثال می زند (می نویسد: اسلام واقعی تنهاروشی است که باقی می ماند و غیر از این راهکار به ثبات و استمرار منتهی نخواهد شد.

رئیس جمهور فعلی مصر در مقاله خود تأکید می کند: جماعت اخوان المسلمین هرگز مبانی خود را تغییر نمی دهد... روش اسلامی غیر قابل تغییر و نهایت عمل ماست و این روش موفقیت آمیزی است که تلاش داریم آن را گسترش و آموزش دهیم و آن را در همه زمینه ها به کار بندیم.

اینک سئوالی که می توان مطرح کرد این است که آیا محمد مرسی به مبانی و ارزشهای خود پشت کرده است و از اهداف اساسی و بزرگ اخوان المسلمین دست کشیده است؟ یا منافع سیاسی برتر از همه مبانی و اعتبارات است؟!

خبرگزاری تقریب: محمد مرسی رئیس جمهور مصر در روزهای گذشته با سفر به ترکیه برای شرکت در چهارمین کنفرانس ملی حزب عدالت و توسعه که اخیراً در آنکارا برگزار شد با رئیس این حزب و نخست وزیر این کشور یعنی رجب طیب اردوغان دیدار و گفتگو کرد. وی همچنین در سخنانی در این کنفرانس این حزب ترکیه را الگویی برای کشورهایی توصیف کرد که در جهت تحقق نهضت های مردمی تلاش می کنند.

رئیس جمهوری مصر در اظهاراتش در کنفرانس حزب حاکم ترکیه با تأکید بر وجود تاریخ روابط طولانی میان ترکیه و مصر تأکید کرد: عدالت و صلح از رسالت های مشترک و اهداف ملت مصر و ترکیه است. مرسی با تأکید بر اینکه ملت مصر و ترکیه روابطی تاریخی، عمیق و طولانی داشته اند، اظهار داشت: دو ملت برادر و دوست ترکیه و مصر رسالت های مشترک زیادی را دارند که صلح و ثبات از جمله آنهاست.

وی با بیان اینکه جهان عرب و بهار عربی به حمایتی ترکیه نیاز دارد، گفت: مردم ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه که ریاست آن را رجب طیب اردوغان به عنوان کسی که جهان به وی به دیده احترام می نگرد برعهده دارد قادرند تا به خواسته های خود با اراده ای آزاد دست یابند.

اما به نظر می رسد محمد مرسی حملات لفظی خود بر ضد این حزب را فراموش کرده است که در مقاله ای که وی در سال ۲۰۰۷ به عنوان عضو دفتر ارشاد جماعت اخوان المسلمین منتشر ساخت موضع اخوان را نسبت به جنبش ها و احزاب سیاسی در جهان اسلام تبیین کرده بود.

وی در این مقاله که در پایگاه اطلاع رسانی رسمی اخوان المسلمین منتشر ساخت، تأکید کرده بود: حزب عدالت و توسعه از غیر دینی و لائیک بودن دولت به مفهوم غربی آن حمایت می کند و با هدف بزرگ و اساسی مادر تضاد است؛ مسلمانان باید دولتی مسلمان و اسلام گرا داشته باشند نه اینکه دارای دولتی دینی با رویکردی

نماینده ویژه رئیس مجلس لبنان:

امام موسی صدر

پایه گذار مسئله نقش امامت در

بیداری اسلامی است



به گزارش مهر، خلیل حمدان نماینده ویژه نیبه بری رئیس پارلمان لبنان در سومین نشست جهانی دهه غدیر که در دانشگاه امام صادق برگزار شد، گفت: پایه گذار این اجلاس امام موسی صدر است و عنوان این نشست نقش امامت در بیداری اسلامی، رسالت و بیداری اسلامی و امامت از واژه های پرباری هستند که در این نشست به آن پرداخته می شود، اما نباید از این امر غافل بود که بسیاری از واژه ها و معانی در منصف ظهور می تواند خود را نشان دهد.

وی افزود: همواره دشمنان مان در خانه تاریک خود تلاش کرده اند علیه امت اسلامی توطئه کنند و با واژه هایی مثل هرج و مرج، جنگ نرم و سایبری تلاش کنند که مسلمانان را با توطئه های خود از بین ببرند. آیا بر شما روشن نیست که هدف قرار دادن افکار، خطرناک تر از بمباران تاسیسات هر کشور است.

حمدان یادآور شد: ما هر روز شاهد تجاوزات رژیم صهیونیستی به مقدسات مسلمانان به ویژه بیت المقدس هستیم. متأسفانه هر روز شاهد عقب نشینی جهان عرب و اسلام نسبت به این تجاوزات به امت اسلامی هستیم به طوری که این مساله باعث شده دشمن جرات پیدا کند که به ما حمله کند. آیا بعد از سوزاندن مسجد الاقصی این امت هنوز خواب است. آیا انتشار میلیونها سی دی در سطح دانشگاه ها از طرف دشمنان ما نباید ما را بر آن دارد که به خود آیینم که دشمنان مرزهای فکری ما را هدف قرار داده اند.

نماینده نیبه بری تصریح کرد: آگاهی و بیداری اسلامی می تواند زمینه ساز وحدت امت اسلامی باشد و تنها راه نجات این است که به بیداری اسلامی خود را مسلح کنیم. جهان اسلام با مسائل تفرقه انگیز و توطئه های دشمنان مواجه است که سعی می کنند مسلمانان را از پرداختن به آزادی مقدساتشان غافل کنند.

وی با اشاره به وقایع اخیر در خاورمیانه و مساله سوریه تاکید کرد: چرا برخی رژیم ها از شدت تحریم علیه ایران حمایت می کنند و در مقابل چه نفعی برای آنها دارد که کشورهای که در خط مقدم پایداری و مقاومت اسلامی هستند را هدف قرار دهد. آیا در جنگ سوریه هدف شخص بشار اسد است؟ خیر هدف واقعی آنها خود سوریه است که در برابر اسرائیل ایستاده است. هدف آنها ارتش، مردم و اقتدار سوریه است.

خلیل حمدان با اشاره به نقش امام موسی صدر در بیداری اسلامی تصریح کرد: امام موسی صدر همواره به دنبال عزت و عظمت مسلمانان بود و جا دارد بار دیگر موضوع ربودن امام موسی صدر مورد توجه قرار گیرد تا بتوانیم به نقش امامت در بیداری اسلامی به صورت روشن بپردازیم.

سید حسن نصرالله حق دارد به خود بالاد



امت عرب امیدوار بود که کشورهای عربی - به ویژه آنهایی که صدها میلیارد دلار برای خرید تسلیحات امریکایی و اروپایی هزینه می کنند - بتوانند چنین هوایمی را تولید و به این رژیم اعلام کنند که قدس را فراموش نکرده اند و اشغال مسجد الاقصی را نمی پذیرند، اما متأسفانه این مساله رخ نداد و این هوایما به دست ایرانیان تولید شد.

اولین واکنش اسرائیل به ورود چنین هوایمی به سرزمین های اشغال شده فلسطین و نفوذ آن تا چند کیلومتری راکتورهای هسته ای دیمونا اسرائیل، نصب سامانه موشکی جدید نزدیک شهر حیفا به منظور پیشگیری از حمله به این پایگاه هسته ای است، اما نمی توان حدس زد که اسرائیل به چه اقدامی فراتر از این اقدام دست بزند و آیا جنوب لبنان را هدف حمله قرار دهد، یا این که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی به بهانه مشغولیت به برگزاری انتخابات کنست، از نقض حریم هوایی این رژیم چشم پوشی می کند.

جهان عرب در حال تغییر است و اسرائیل دیگر تنها قدرت در این منطقه قلمداد نمی شود، و سید حسن نصرالله حق دارد که به اجرای عملیات یاد شده مباحث ورزد، چرا که پیش بینی ها و حساب و کتاب اسرائیل را بر هم زد، آن هم در زمانی که بسیاری از اعراب، این رژیم و قدس اشغال شده را به فراموشی سپرده اند و حتی به سمت تل آویو دست دوستی گشوده اند.

این عملیات، افزود: سید حسن نصرالله در سخنان پیشین خود درباره توان غافلگیری حزب الله نکاتی را مطرح کرده بود و قطعاً مسائل غافلگیر کننده دیگری که از اسرار راهبردی برای حزب الله قلمداد می شود، وجود دارد که در آینده ای نه چندان دور اسرائیلی ها را متعجب می کند: اسرائیل

پیش از این نیز طی جنگ جولای ۲۰۰۶ و در پی اصابت موشکهای حزب الله به عمق سرزمین های اشغال شده فلسطین و انهدام تانک مَرکاوا که از عجایب صنایع نظامی رژیم صهیونیستی به شمار می رفت، غافلگیر شده بود. اما هوایمی بدون سرنشین به راستی برای لبنانی ها و نیز جهان عرب و مسلمانان افتخار است، زیرا بیانگر توانایی آنان در مقابله با تکنولوژی نظامی غرب و غرور اسرائیلی ها و برتری نظامی آنان است که از سوی امریکا حمایت می شوند و با کمک این کشور به همه اسرار و امکانات لازم برای توسعه صنایع نظامی خود دست می یابند.

وی با یادآوری جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و حزب الله، خاطر نشان کرد: سید حسن نصرالله از اعتبار قابل توجهی برخوردار است و با قدرت و استناد به اطلاعات و حقایق سخن می گوید. وی پیش از این جهان اسلام را به تماشای صحنه انهدام کشتی جنگی اسرائیل نزدیک سواحل لبنان با موشک پیشرفته فراخواند و گفت: به دریا بنگرید و صحنه انهدام این کشتی را ببینید! سپس کشتی اسرائیل در دریا با همان موشکی منهدم شد که از مهمترین تجهیزات غافلگیر کننده برای اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه بود.

سردبیر روزنامه فرامتنه ای القدس العربی، با اشاره به سخنان سید حسن نصرالله نوشت: دبیرکل حزب الله لبنان در سخنان خود به عملیات ارسال هوایمی بدون سرنشین پرداخت که با طی صدها کیلومتر و عبور از دریا، وارد آسمان صحرائ القبق در جنوب فلسطین اشغالی شد.

عبدالباری عطوان تحلیلگر برجسته جهان عرب در یادداشتی، سخنان نصرالله را پیامی قاطع به اسرائیل دانست، مبنی بر این که اگر در آینده جنگی آغاز شود این جنگ قطعاً با جنگ های پیشین اختلاف چشمگیری خواهد داشت.

وی در بخشی از این مقاله آورده است: عملیات پرواز هوایمی بدون سرنشین بر فراز آسمان صحرائ نقب، عملیاتی نظامی بی نظیری بوده و در ۶۰ سال گذشته اولین باری است که هوایمی عربی با عبور از سیستم های رادار ارتش رژیم صهیونیستی، حریم هوایی سرزمین های اشغال شده فلسطین را در هم می شکند و قبل از آنکه هوایماهای پیشرفته اسرائیل موفق به سرنگونی آن شوند، ازادانه در آسمان صحرائ نقب به پرواز در می آید.

وی با تاکید بر بی سابقه بودن این اقدام، تصریح کرد: ورود هوایمی حزب الله لبنان به آسمان سرزمین های اشغالی شده فلسطین تا کنون سابقه نداشته است و این مساله اسرائیلی ها را نگران کرده است و بیش از این نیز نگران خواهد کرد، چرا که این هوایما از سوی نیروی هوایی حزب الله و با کمک ایران مونتاژ شده است.

عطوان با اشاره به غافلگیری رژیم صهیونیستی از

رئیس جنبش «احرار» بحرین عنوان کرد:

پایبندی به اصول اسلامی و احساس مسئولیت در برابر خداوند؛ دو ویژگی شخصیتی سید حسن نصرالله

و تحت استعمار برای مبارزه آماده شدند. الشهبانی خاطر نشان کرد: ملت فلسطین با پیروز شدن انقلاب اسلامی طعم پیروزی را چشید و مشاهده کردیم که جمهوری اسلامی ایران در همان اوایل پیروزی، سفارت رژیم صهیونیستی را بسته و سفارت فلسطین را برای نخستین بار جایگزین آن کرد.



پیروزی آن در سال ۵۷ گفت: آنچه در سال ۱۳۵۷ در ایران اتفاق افتاد، یک زلزله سیاسی قدرتمندی بود که سراسر منطقه تا آن زمان مانند آن را به چشم ندیده بود و از پیروزی یک روحانی بر یکی از حکومت های مقتدر آن دوران شگفت زده شد.

سعید الشهبانی اظهار داشت: انقلاب اسلامی ایران حرکت بی نظیری بود که تأثیر فوق العاده ای را بر شکل گیری بیداری اسلامی داشت و احساس عزت، افتخار و کرامت را به ملت ها بخشید، زیرا این انقلاب با نام خداوند و دین مبین اسلامی مرتبط بود.

سعید الشهبانی افزود: انقلاب اسلامی ایران، حرکت بی نظیری بود که تأثیر فوق العاده ای را بر شکل گیری بیداری اسلامی داشت و احساس عزت، افتخار و کرامت را به ملت ها بخشید زیرا این انقلاب با نام خداوند و دین مبین اسلامی مرتبط بود.

وی تأکید کرد: پیروزی انقلاب اسلامی ایران مجاهدان را در افغانستان، لبنان، عراق و دیگر کشورهای اسلامی به حرکت واداشت؛ بنابراین ایران مورد سخت ترین حملات از سوی دشمنان قرار گرفت و همه جهان امکانات خود را برای مواجهه با ایران اسلامی به کار گرفت تا شعله این انقلاب را خاموش کند اما دیدیم که ملت های مظلوم

سعید الشهبانی، نویسنده، روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی بحرین و رئیس جنبش احرار این کشور و از معارضان رژیم آل خلیفه، در گفت و گو با (ایکنا) به مهم ترین ویژگی هایی که سید حسن نصرالله را به یکی از برترین چهره های جهان اسلام مبدل ساخته است، اشاره کرد و گفت: رهبری، شخصیت قوی، پایبندی به اصول و جدیت در عمل به آموزه های اسلامی از مهم ترین ویژگی های سید حسن نصرالله است و ایشان آنگاه که عملی را آغاز می کند، انگیزه اش همان احساس مسئولیت در برابر شرع مقدس الهی است.

وی با اشاره به آیه ۲۴۹ سوره مبارکه بقره... کَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به آذن خدا پیروز شدند تصریح کرد: آنگاه که گروه کوچکی بر گروه بزرگتری ظفر می یابند، دلیل این پیروزی ایمان حقیقی به خداوند متعال، ادای تکلیف شرعی و عدم اهتمام به محاسبات مادی و مصلحت اندیشانه است. این تحلیلگر مسائل سیاسی در ادامه اظهار داشت: همیشه تعادل قدرت به سود گروه بزرگتر است اما امدادات غیبی در کنار اقلیت مؤمن است و برای مجاهدان، مقاومت و استواری را به همراه می آورد، به طوری که هر کدام از آنان با ۱۰ سرباز دشمن مساوی هستند.

وی همچنین درباره تأثیر انقلاب اسلامی ایران و

معرفی کتاب/ "سید عزیز" از ناگفته های زندگی دبیر کل حزب الله می گوید

حدود ۶ ساعت، خاطرات.. سید حسن را ضبط ویدئویی کردم... در این کتاب با اوضاع، احوال و روحیات شخصی سید حسن نصرالله که ذکر و یادآوری آنها برای خود وی جالب و جذاب بود آشنا می شوید. کسی که بر خلاف بسیاری از رهبران سازمان های به اصطلاح مبارز، مسئولیت و دبیر کلی را نه برای کسب مقام و مال، که برای خدمت خالصانه تر... می دانند. تا آن جایی که از اعزام فرزند دل بند خود به جبهه های نبرد علیه اشغال گران، ابایی ندارد و بر شهادت جگر گوشه خود افتخار می کند... کتاب "سید عزیز" در ۱۴۴ صفحه متن و عکس و شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و به قیمت ۳ هزار تومان منتشر شده است.

"سید عزیز" نام این کتاب، از تقریظ مقام معظم رهبری بر نسخه ی قبل از چاپ آن گرفته شده است که ایشان نوشته اند:

هر چیزی که مایه شناخت و تکریم بیشتر آن سید عزیز شود، خوب و برای من مطلوب است... نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: اولین بار، در تابستان ۱۳۶۲ در سفری... به لبنان... با حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله آشنا شدم... همان ایام، به دلیل شلاکت چهره و خلق و خو، بچه های ایرانی - لبنانی به تبعیت از آنان - وی را خامنه ای کوچک می خواندند... بهار ۱۳۷۴ توفیقی دست داد تا پس از ۱۲ سال، مجدداً سید حسن نصرالله را در بیروت ملاقت کنم... در دو جلسه در مجموع

کتاب زندگینامه و حسب حال خود گفته "سید حسن نصرالله"، دبیرکل حزب الله لبنان با عنوان "سید عزیز" به کوشش حمید داوودآبادی و از سوی نشر یازدها (س) منتشر شده است.

این کتاب حاصل ساعت ها گفت و گوی اختصاصی "حمید داوودآبادی" با دبیرکل حزب الله لبنان در سال ۱۳۷۷ است که در آن سید حسن نصرالله، زوایای ناگفته ی زندگی خود را بازگو کرده است. بسیاری از خاطرات و گفته های منتشر شده در این کتاب، برای اولین بار است که ذکر می شوند. پیاده کردن نوارهای ضبط شده از سید حسن نصرالله و ترجمه متون از عربی به فارسی بر عهده علی رضا موحدی بوده است.

تنازع و تخاصم سیاسی بیماری است



است که نه سیاست می داند و نه اقتصاد و کشور را دچار مشکلاتی کرده است، اما هیچ گاه با توهین و هتک حرمت ایشان موافق نیستم.

توهین و اتهام افکنی مسوولان به یکدیگر را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا می توانیم بگوئیم که بداخلاقی در میان

سیاستمداران ایرانی در حال نهادینه شدن است؟ متأسفانه همین گونه است. به نظر من توهین، هتک حرمت و بی احترامی در مورد مسوولان کشور، از زمان دولت موقت و مرحوم مهندس بازرگان تا به امروز که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور هستند جایز نیست. هیچ فرقی هم نمی کند که مرحوم بازرگان یا بنی صدر، خاتمی و هاشمی باشد یا احمدی نژاد.

می گویند امام فرموده اسلام از ملی گرایی سلیبی خورده است...

دقت فرمایید امام و رهبری اگر فرمانی صادر کنند واجب الاطاعة است اما وقتی نظری ابراز می کنند، می توان به آن انتقاد کرد و آن را قبول نکرد. البته ملیون اشتباهات بسیاری داشته اند. مصدقی ها به آیت الله کاشانی و نواب صفوی ظلم کردند و من این را قبول دارم. ولی آیا این خطاها یکطرفه بوده یا طرف دیگر هم اشتباه و خطا داشته اند؟ آیا شهید نواب صفوی واقعا ایرادی نداشت؟ من خودم عاشق نواب صفوی بوده و هستم و در این خصوص کتاب نوشته ام. مرحوم آیت الله کاشانی هم اشتباهاتی داشته اند. نباید به این خاطر که آیت الله کاشانی روحانی و معمم است از او تعریف کنیم و دکتر مصدق را به این دلیل که کت و شلواری و ملی است، بگوئیم.

موضع گیری شما درباره امام و رهبری همواره زیر سوال بوده و هست. در این خصوص توضیح دهید؟

اصلاً چنین نگاهی به من، نگاه اشتباهی است. این ظلم به امام و رهبری است که بگوئیم تقدیر نیستند. من در این مورد بین امام و آیت الله خامنه ای فرقی قائل نیستم. در زمان امام این را در مجلس اول هم گفته ام، در حال حاضر هم همین عقیده را دارم. آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری شان که من مشاور فرهنگی ایشان بودم، در پاسخ سوال دانشجویی که از ایشان پرسید آقای حجتی کرمانی که مشاور شماست چرا چنین و چنان نوشته است، ایشان در جواب گفتند مگر مشاور من حق ندارد نظری برخلاف نظر من داشته باشد؟ بنابراین اظهار نظر برخلاف نظر رهبری، چه امام و چه آقای خامنه ای باید باشد. یعنی لازم است و حق مسلم است. البته آنجا که بنای فرمان و دستور است باید اجرا شود. یک زمانی امام یا آقای خامنه ای نظری می دهند، من می توانم بگویم نظر شما را قبول ندارم. اما اگر فرمان باشد باید اطاعت کرد. این حرفی را که الان می زنم ۳۰ سال پیش هم در مجلس زده ام. در مجلس صحبت بود که امام گفتند اسم مجلس را مجلس شورای اسلامی بگذارید. این حرف امام برخلاف قانون اساسی بود چراکه قانون اساسی نوشته بود مجلس شورای ملی. من گفتم بگذارید مجلس شورای ملی اسلامی که کلمه ملی در قانون اساسی ضربه نخورد. امام در پاسخ این حرف گفتند اینهایی که می گویند مجلس شورای ملی اسلامی اینها می خواهند بعداً ملی اش باشد و اسلامی اش را بردارند. شاید ایشان فکر نمی کردند این پیشنهاد من باشد و فکر می کردند که افراد دیگری این حرف را زده اند. وقتی من این حرف را زدم به من گفتند که تو داری برخلاف نظر امام حرکت می کنی. گفتم اگر امام دستور داده اند من سرباز ایشان هستم و از فرمانده تبعیت می کنم. در نظام اگر اطاعت از ولی امر نباشد نمی شود کار کرد و سنگ روی سنگ نمی ماند. اینکه گفته می شود ولی امر واجب الاطاعة است حرف درستی است ولی آنجا که ولی امر نظر می دهند مساله فرق می

کند. وقتی پیامبر یا حضرت علی (ع) نظری می دهند گاهی اصحاب با نظر ایشان که معصوم بوده اند مخالفت می کنند.

آقای حجتی شما همواره خود را مرید امام و مقام معظم رهبری معرفی کرده اید. آغاز آشنایی شما با امام و

ایشان از چه مقطع زمانی ای است؟ من از شاگردان امام و طیف ایشان بودم. از نخستین کسانی هم بودم که ندای امام را لبیک گفتم و نمایندگی ایشان را داشته ام. قبل و بعد از ۱۵ خرداد پیغام های امام را به اصفهان و یزد و کرمان برای آیات خادمی، صدوقی و صالحی کرمانی برده ام. در مدتی هم که امام در تبعید بودند، حدود ۱۰ سال در زندان بودم ولی در هر حال به امام وفادار بودم و بعد از آزادی در چهلم حاج آقا مصطفی سخترانی کردم و تبعید شدم و با آیت الله خامنه ای در ایرانشهر با هم قسمتی از دوران تبعید را گذرانیدم که بعداً محل تبعید من به سندیج تغییر یافت و از ایشان جدا شدم. اما رفایتم با آیت الله خامنه ای به سال ۱۳۳۷ بازمی گردد. حضور ایشان در قم پنج سال بعد از ما بود. آقای خامنه ای پیش از این تاریخ، در مشهد دوران طلبگی خود را می گذرانند. من بعد از فوت مرحوم پدرم، به کرمان سفری داشتم، وقتی به قم برگشتم ایشان برای ادامه تحصیل به قم آمده بودند. به یاد دارم که بعد از برگشت من به قم، وقت مغرب که اذان را گفته بودند در مدرسه حجتیه به سمت حجره اخوی می رفتم. نزدیک حوض در اواسط مدرسه، یک آقای آغوش باز کرد و با لطف به من گفت شما آقای حجتی هستید؟ او آقا سیدعلی خامنه ای بود. این دوستی و عشق دو جانبه همچنان ادامه یافت و ادامه دارد و من همواره از خدا خواسته ام که این علاقه و محبت دوسویه منشا برکت برای انقلاب شود. به یاد دارم من و مرحوم آقای سیدکمال شیرازی که از عرفا و نزدیکان امام در نجف محسوب می شد، بعضی شب ها در مدرسه یی در قم دور هم جمع می شدیم و به اتفاق آیت الله خامنه ای زیر کرسی، حافظ می خواندیم. آقای خامنه ای بسیار خوش صدا بود و به همراه مرحوم آقا سیدکمال شیرازی اشعار حافظ را می خواندند و گاهی گریه می کردیم. این خاطرات مربوط به سال های قبل از ۴۰ است. در سال های بعد هم ایشان به کرمان سفر می کردند و من به مشهد می رفتم و با هم آمد و شد داشتیم. پس از انقلاب هم در مجلس اول و دو دوره ریاست جمهوری با هم همکاری نزدیک داشتیم. به هر جهت رابطه من با آیت الله خامنه ای رابطه عاشق و معشوق است. لطف ایشان هم همچنان نسبت به من وجود دارد. من همچنان مرید آیت الله خامنه ای هستم البته مرید منتقد و ناصح.

در حال حاضر هم دیدار با ایشان دارید؟ بله گاهی.

بعد از انتخابات سال ۸۸ با ایشان دیداری داشته اید؟ بله دو مرتبه.

آخرین بار چه زمانی مقام معظم رهبری را دیدید؟

قبل از ماه رمضان سال گذشته. یک جلسه کاملاً خصوصی دونفره بوده که نزدیک یک ساعت و نیم طول کشید. البته محرمانه نبود.

چه مسائلی را درباره آقای احمدی نژاد گفتید؟

بگذاریم، الان دلیلی برای گفتن آن مباحث وجود ندارد.

درباره آقای خاتمی و رابطه شان با مقام معظم رهبری حرف هایی از قول شما شنیده ام.

من چندین بار با آقای خاتمی در زمان ریاست جمهوری ایشان و پس از آن نیز درباره آیت الله خامنه ای صحبت کرده ام. آقای خاتمی بارها به من گفت ما بهتر از آیت الله خامنه ای برای رهبری

نداریم و ما رهبری ایشان را قبول داریم اما انتقاد هم داریم. من هم رهبری ایشان را نه تنها قبول دارم که حفظ ایشان را همراه با نقد واجب می دانم. این مساله بسیار مهم را برای همه منتقدان دلسوز و علاقه مند به ایران و اسلام و نظام بگویم که یکی از راه های حفظ و صیانت از رهبری و انقلاب انتقاد و نصیحت است. من هر روز صبح بعد از نماز بدون مبالغه برای طول عمر و سلامتی ایشان از خدا درخواست عاجزانه دارم. من نگرانی ها و پیشنهاد های اصلاحی خودم را به اطلاع ایشان رسانده ام و خواهم رساند. خلاصه حرف من این است که حفظ این نظام و حفظ رهبری برای همه ما واجب عینی است و یکی از راه های حفظ این نظام و رهبری، این است که ما مرزهای انتقاد را از تخریب و ضدیت با نظام جدا کنیم و این بیماری را که از زمان امام تا به امروز وجود داشته که هر سخن مخالف و منتقدی را تخریب و تضعیف معرفی می کردند از بین ببریم. در زمان امام در مجلس اول انتقاد می کردم یا در روزنامه چیزی می نوشتم به من می گفتند ضد ولایت فقیه.

چه کسانی به شما ضد ولایت فقیه می گفتند؟ بسیاری. جو حاکم این طوری بود. تحریف و تخریب شخصیت ها و عقاید و نظرات سیاسی با غوغاسالاری باب روز بود. حالا هم همین طور است.

مثلاً چه کسی؟

همین آقای داعی که رفیق ما است و بسیار به من لطف دارد و من هم مرهون لطف ایشانم آن روزها به من می گفت تو در برابر امام ایستاده ای. آقای خاتمی که رییس کیهان بود و گاهی مقاله من را چاپ نمی کرد، می گفت شما با نشریه میزبان و نهضت آزادی همکاری می کنی. مهندس موسوی در مجلس علیه من بدون اسم سخترانی شدیداً کرد. آقای هاشمی در مجلس نسبت به من خیلی کم لطفی کرد. البته من هم در همه این موارد اشتباهات تاکتیکی زیادی داشته ام.

اجازه بدهید کمی اصولی تر صحبت کنیم و یک سوال اساسی را مطرح کنم و شما پاسخ بگوئید که به نظر شما خصوصیات، میزبان، رویکردها و مولفه های انقلاب از نظر امام چه بوده و آیا بعد از امام تغییر کرده است؟

به نظر من این خصوصیات و رویکردهای انقلاب از زمان رهبری امام و آیت الله خامنه ای هیچ تغییری نکرده است. من برخلاف خیلی ها که می گویند خط امام در زمان رهبری آقای خامنه ای تغییر کرده است و سبک رهبری آیت الله خامنه ای با امام فرق می کند، معتقدم آقای خامنه ای درست همان خط امام را دنبال می کند.

با تسخیر لانه جاسوسی مخالف بودید؟

من خودم هم اول در این جریان حضور داشتم. من عامل نبودم اما مشوق بودم. به یاد دارم با مرحوم استاد علی غفوری به دیدن بچه های خط امام رفتم. با آقای موسوی خوبی ها نماز جماعت می خواندم، مقاله به نفع شان می نوشتم، سخترانی می کردم. با همین اصغرزاده و میردامادی و بچه های دیگری که سفارت آمریکا را گرفته بودند، گرم و صمیمی بودم. گاهی به جای آقای موسوی خوبی ها می رفتم نماز می خواندم و برای بچه ها سخترانی می کردم. اما بعداً به کلی نظرم تغییر کرد. آن هم وقتی بود که طبق نظر امام، مجلس کار آزادی گروگان ها را انجام داد. من گفتم اگر اینها جاسوس بودند و سفارت لانه جاسوسی بوده پس چرا جاسوس ها را آزاد می کنید؟

راه های تقویت انسجام ملی

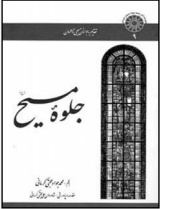
خصوصاً با گروه ها و افرادی که مرجع فکری بعضی جریان های سیاسی و اجتماعی هستند درست نیست.

ادامه در صفحه بعد

معرفی کتاب جلوه مسیح (ع)

این کتاب اثری است از

حجت الاسلام والمسلمین
محمدجواد حجتی کرمانی
که توسط انتشارات
اطلاعات به چاپ رسیده
است



چاپ نخست کتاب

«جلوه مسیح» در سال ۱۳۴۲ در چاپخانه گلپهار کرمان انجام گرفت. ماجرا از این جا آغاز می شود که وقتی مولف کتاب در یکی از روزهای پاییز ۱۳۳۸ به اطاق انتظار کلینیک دندان پزشکی وارد می شود مردی ارمنی را می بیند و گفت و گوی آن ها درباره حرام بودن شراب از یک سو و سخن از شراب در بندهای کتاب مقدس از دیگر سو بالا می گیرد که البته آن مرد ارمنی به دلیل ضعف اطلاعاتش بحث را عوض می کند. مولف در سال ۱۳۴۱ به کلیسایی در کرمان و نزد کشیش آن کلیسا به نام ارسطو سیاح کرمانی می رود و او را به گفت و گویی روشن گر و خالی از تعصب درباره دین اسلام و مسیحیت دعوت می کند. کشیش به او وعده می دهد که بناست یکی از اسقف های دانشمند به کلیسای آن ها بیاید و این امر گفت و گوهایی را میان مولف و اسقف به همراه می آورد. بر این اساس کتاب «جلوه مسیح (ع)» از دو بخش تشکیل شده است: بخش نخست که مسأله تثلیث را مورد نقد و بررسی قرار می دهد و پس از گفت و گوی نویسنده با کشیش کلیسای کرمان ارسطو سیاح کرمانی به نگارش درآمده است. نخستین فصل بخش اول درباره علت نگارش این اثر و ماجراهای دیدار مولف با مرد مسیحی و کشیش کلیسای کرمان است.

فصل دوم با عنوان «تثلیث مسیحی» به موضوعاتی چون توحید در عین تثلیث، تشریح تثلیث، استدلال بر تثلیث، خدای مسیحیان، اجزای تثلیث و غیره می پردازد. عناوین فصول دوم تا چهارم بخش نخست این اثر عبارتند از: بنیانگذار مسیحیت کیست؟ مسیح و تثلیث در قرآن، رجعت مسیح. بخش دوم کتاب گفت و گو با اسقف دانشمند مسیحی نام دارد که گفت و گوهایی مولف با اسقف حسن دهقانی تفتی است. این اثر دربردارنده یادداشت های استاد فتح الله مجتبیایی و ضمیمه ای از اکبر ثبوت است.

افسار «آزادی بیان غرب» در دستان صهیونیسم

پاسخ این سوال که آیا در سال های قبل از پایان جنگ جهانی اساسا این تعداد یهودی در اروپا زندگی می کرده اند یا نه؟

کسانی - عمدتا اندیشمندان و اساتید دانشگاه - که در پی یافتن این سوال و صدها سوال نظیر آن در باره هولوکاست هستند نه تنها از مزایای عمومی و اجتماعی محروم می شوند بلکه از شرکت در کنفرانس ها برنامه های فرهنگی و حتی تدریس در دانشگاه ها نیز محروم شده و به ناچار همانند روزه گارودی که پس از اعمال جرمه نقدی متحمل سالهای حبس نیز می شوند. اینجا معنای آزادی بیان و حقوق بشر در نزد اروپایی ها آشکار می شود.

این ممانعت ها و محدودیت ها تنها به موضوع هولوکاست مختص نیست کسانی که اسرائیل را متجاوز و اشغالگر فلسطین بنامند نیز با این مشکلات و حملات مواجه می شوند. جرج گالوی نماینده مجلس عوام انگلیس از این دسته افراد است. رادنی شکسپیر اقتصاد دان امریکا و استیفان سایزر کشیش انگلیسی و بسیاری دیگر از این افراد زیاد هستند.

قوانینی در اروپا وضع شده است با این مضمون «افرادی که در موارد هولوکاست و یا موضوعات مرتبط اظهار نظر منفی کنند به شدت درگیر تبعات قانونی آن می شوند و به هیچ عنوان مشمول بخشش و چشم پوشی از اتهامات نمی شود». اما توهین به مقدسات مسلمانان هیچ پیگرد قانونی نداشته و شامل قوانین آزادی بیان می شوند به عنوان مثال می توان بعد از سلمان رشدی مرتد که به خرج مردم انگلیس از وی حمایت می شود می توان به کاریکاتورهای اهانت کننده به پیامبر عظیم الشان و دین مبین اسلام در دانمارک، سوئد و... اشاره کرد.

زمانی که مسابقه بین المللی کاریکاتور هولوکاست در ایران برگزار شد و صدها نمونه کاریکاتور از سرتاسر جهان در آن شرکت کردند موجی از اعتراضات به این جشنواره دو سالانه سرازیر شد. هیچ یک از این همپیمانان و خادمین به صهیونیست سخنی از آزادی بیان به میان نیاوردند و به تک تک این کاریکاتوریستها، شرکت کنندگان و حتی داوران آن پیام های تهدید آمیز ارسال داشتند و به آنها اعلام داشتند که چنانچه از این اقدام خود صرف نظر نکنند به قتل خواهند رسیدند.

پس از آن مسلمانان جهان با واقعه قرآن سوزی در برخی نقاط جهان روبرو شدند که از یک سرباز غربی گرفته تا به یک شبه کشیش هم سرایت پیدا کرد و فردی به نام تری جونز که بیشتر به موتور سواران هارلی داویدسون و اوباش امریکایی شباهت دارد در محوطه کلیسای دور افتاده خود یک نسخه از قرآن را به آتش کشید و با موجی از خشم مسلمانان روبرو شد و اینبار نیز غرب وی را مورد

در غرب قوانین مختلفی وجود دارد که شما را از اظهار نظر منفی درباره برخی مسائل منع و همزمان اجازه می دهد درباره برخی مسایل ازادانه اظهار نظر نمایید. به مجموعه این قوانین در غرب حقوق شهروندی گفته می شود که مسایلی همچون آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادیهای دینی و حقوق بشر و... در ذیل آن قرار می گیرد. از جمله اظهار نظرهای غیر ازاد انتقاد درباره هولوکاست است و یا حتی درباره اینکه تعداد کشته شدگان این واقعه - صرف نظر از درستی یا نادرستی آن - را با تردید نام ببرید. براساس حقوق شهروندی، شهروند اروپایی حق ندارد در باره این موارد اظهار نظر نماید. زیرا به هر دلیلی این موارد نقض حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک محسوب می شود و می بایست متحمل جزایهایی همچون پرداخت جریم نقدی، زندان، انفصال از خدمت و حتی تبعید شود. انتقاد از اسرائیل نیز به همین ترتیب پاسخ داده می شود. چنانچه کلامی بر علیه رژیم صهیونیستی و یا سخام های صهیونیست بر زبان رانده شود به آنتی سیمیتیزم محکوم شده و از همه طرف مورد حمله و حمله قرار خواهد گرفت و امکان دارد کار به خشونت و قتل هم کشیده شود. از دید مقامات رسمی اروپا البته این اقدامات را اسرائیل و نیروهای وابسته انجام نمی دهند بلکه تندروهای مذهبی و افراطیون مرتکب می شوند که هیچ رابطه ای با رژیم صهیونیستی نداشته و این رژیم دائما این اقدامات را محکوم می کند.

اما اهانت و حمله به اسلام و مقدسات مسلمانان را بدون توجه رها کرده و هیچ قانونی را برای مرتکب یا مرتکبان احتمالی تعریف نکرده اند. تنها حقوق بشر در این کشورها مختص صهیونیستها و وابستگان آنها می باشد. افرادی هم که این مطالب موهن و غیر اخلاقی علیه سایر ادیان خاصه اسلام عزیز را تهیه می کنند بعد از مدت کوتاهی از سوی نهادها و مراکز علمی هنری و فرهنگی با مدال ها و تقدیر نامه های گوناگون مورد تحسین واقع می شوند. و سیل حمایتیهای مالی روانه حسابهای بانکی آنان می شود. سلمان رشدی با کتاب آیات شیطانی از اولین اهانت کنندگان به مقدسات مسلمانان بود که نه تنها مورد تقدیرهای مکرر غرب و یاران صهیونیست بین الملل قرار گرفت بلکه پس از صدور فرمان ارتداد حضرت امام خمینی (ره) دولت انگلستان حفاظت از جان این ملعون را جزو وظایف خود قرار داد و حتی یکی از القاب برجسته این کشور را که مختص ادبا و اساتید فرهنگ می باشد را به وی داد و رشدی هندی تبار را به لقب شوالیه منتسب کرد.

این اقدام دقیقا نقطه مقابل کسانی است که حتی تنها در فکرشان در پی یافتن پاسخ سوالی در باره واقعیت یا افسانه هولوکاست هستند. در پی یافتن

قبول دارند برای نظام نگه داریم و یک جا جمع کنیم، چیزی که من نام آن را آشتی ملی گذاشته ام.

چه کسی می تواند آشتی ملی را انجام دهد؟
در درجه اول شخص رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای، اما دیگران هم باید در این کار همکاری کنند. اینکه گفته شود امام تقصیر داشته یا آقای خامنه ای، این کمال بی انصافی است. درست است آیت الله خامنه ای در حال حاضر مقام رهبری را دارد و قدرت در ظاهر در دست ایشان است، اما اینطور که وانمود می کنند رهبری قدرت تامه دارد و همه کاستی ها و مشکلات را به گردن ایشان می اندازند، واقعیت ندارد. این شرایط با یک محاسبه نمادی از مظلومیت آیت الله خامنه ای است. همه ما مقصریم. خود من هم تقصیر دارم. همه در این گناهان شریکیم. این تحرکات آقای کروبوی موسوی را بعد از جریان انتخابات بنده به هیچ عنوان قبول ندارم. همه جا گفته ام و باز هم تکرار می کنم آمدن آقایان را در سال ۸۸ نادرست می دانم. مصداق این حدیث هستند که حضرت علی فرمود، میوه نارس را پیش از رسیدن چیدن. من در همان زمان به آقای موسوی و خاتمی پیغام دادم.

پس شما با توجه به روابط دوران ریاست

جمهوری مخالف حضور کروبوی و موسوی بودید؟
بله. آقا سیدمیر محمود به من گفت میرحسین پیش آقای خامنه ای رفته و ایشان هم مخالفی نکرده اند. گفتم بله، ایشان که نمی گویند شما نباید اما شما خودتان باید بفهمید که نباید وارد انتخابات شوید. من عقیده ام این است که در جریان انتخابات ۸۸ بزرگ ترین ضربه بر روند اصلاحات وارد آمد. علاوه بر آنکه حاکمیت و نظام و رهبری هم بسیار متضرر شدند. تازه بعد از پیروزی های احمدی نژاد اگر آن جریانات و راهپیمایی ها اتفاق نمی افتاد و شبهه تقلب را مطرح نمی کردند، می توانستند در جوی آرام و منطقی با قدرت قانونی حزبی فراگیر با چندین میلیون عضو تشکیل دهند و در این چهار ساله به ارشاد و تنویر افکار عمومی بپردازند.

شما در ابتدای بحث تان تنازع و تخاصم را درد اصلی انقلاب دانستید که همه انقلابیون به دنبال حذف یکدیگر بوده اند و دایره خودی های نظام را روزه روز تنگ تر کرده اند. راه برون رفت از این مخصصه را چه می دانید؟

من طی نامه بی که به آقای مصباح نوشته ام و همچنین در مصاحبه هایم گفته ام که تنها راه ما، بازگشت به حال و هوای اول انقلاب و ۲۲ بهمن

محافظت خود قرار داد.

عکس العمل غربی ها در مقابل خشم مسلمانان چه بود به جز آنکه با شلیک به سمت معترضان بی دفاع آنان را به خاک و خون کشیدند تا مانع از ادامه این راهپیمایی ها شود و به خیال خود آنان را سرکوب کرده باشد. به همین دلیل مسلمانان در بسیاری از کشورها به سفارتخانه های کشورهای غربی و مخصوصا امریکا حمله کردند و پرچم آن را به آتش کشیدند، زیرا تمام مردم دنیا آگاهند که حامی اصلی که تمام قد در خدمت صهیونیست بین الملل ایستاده است امریکا با هر نوع حزبی که در راس دولت باشد اعزم از جمهوری خواه و یا دموکرات است.

به رغم همه برداشت های ازادی که غرب از حقوق بشر و ازادی بیان در تعامل با اسلام و دنیای رو به پیشرفت اسلام دارد این نوع اقدامات ضد اسلامی نه تنها باعث تخریب چهره مسلمانان نمی شود و دیگر ملت های جهان را نسبت به اسلام بد بین نمی کند بلکه برعکس تصور این کج اندیشان غربی سبب متبلور شدن روح ناب اسلام محمدی (ص) در جهان نیز می شود. دشمنان اسلام و مسلمانان که در راس رهبری آن صهیونیست بین الملل قرار دارد و طراح نقشه های دشمنی با جهان اسلام می باشد با تاسیس صدها شرکت و موسسه تحقیقاتی، فرهنگی سعی دارند طوری برنامه های خود را به پیش ببرند که باعث به حاشیه کشاندن اسلام و تعالیم الهی آن در سطح جهانی شوند ولی به لطف خداوند حيله این افراد به خودشان باز میگردد و دچار حماقتی می شوند که ندانسته باعث تجلی بیش از پیش اسلام در نزد ملت های جهان خواهند شد.

دنیای اسلام این اقدامات سخیف و شنیع برخی دستور بگیران در غرب را نه تنها اقدامی در چارچوب ازادی بیان - که حتما و قطعا از حدود آن بیشتر است - نمی بیند که معتقد است این گونه اقدامات در حد و اندازه های سیلی ای نیست که اسلام خواهان طی یک سال و اندی پیش در کشورهای آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا بر صورت

گاو بازان غربی نواختند. ابعاد بیداری اسلامی اخیر هنوز بطور کامل خود را بر تمدن متوحش غرب رخ نمایانده است که اینگونه غربی ها را به حیرانی واداشته. غرب باید بداند که با حمله به محورهای کلیدی فرهنگ پیشرو اسلام یعنی «قرآن» و «پیامبر اسلام» نمی تواند خود را از سرنوشت محتوم سقوط در زباله دان تاریخ برهاند. سرنوشتی که نسخه بلوک کمونیستی شرق را در هم پیچید و به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) به زودی طومار غرب لیبرال و تهی از دین را نیز در خواهد نوردید.

عماد نجار

است. ما راهی جز آشتی ملی نداریم و این امری است که اگر آغاز شود و همه متخاصمین و منتقدین به آن پاسخ مثبت بگویند، انقلاب از خطر خواهد رهید. من معتقد آشتی ملی تنها راه اصلاح همه مفاسدی است که دامنگیر جامعه ما شده است. پیشنهاد مشخص من این است که فضای کشور را به ایام فرخنده بهمن ۵۷ برگردانند. من معتقدم بایستی از تمام کسانی که به نوعی به آنها ظلم شده است حلالیت بطلبیم. همه سیاسیون و احزاب هم باید از تخاصم و تنازع دست بردارند و همه به درگاه الهی از گناهان مان که گناهان عمومی بوده است توبه کنیم. ما نیاستی تقصیرها را به گردن همدیگر بیندازیم و باید قبول کنیم که همه ما کم یا زیاد مقصر بوده ایم. اگر توبه نکنیم، مطابق وحی الهی در قرآن، قطعا با اختلافات داخلی ای که داریم و فشارهایی که دشمن از خارج دارد و دامنار در حال توطئه است، پناه بر خدا و زبان لال، دچار سقوط خواهیم شد. دعا کنیم خدا بلا را بگرداند و مکر دشمنان کمین کرده ما را به لطف خودش و به برکت توبه و اخلاص و قلب های به هم پیوسته ما نابود سازد و اسلام و انقلاب و رهبری و نظام را به سلامت از این گذرگاه خطرناک برهاند.

روزنامه اعتماد، شماره ۲۵۰۷ به تاریخ ۹۱/۷/۱۰

ادامه از صفحه قبل

چرا باید این گونه افراد را فراری دهیم اگرچه خود آنها هم مقصرند ولی به هر حال ما از منتقدان و روشنفکران دینی می توانستیم استفاده کنیم هر چند بسیاری از حرف هایشان را قبول نداشته باشیم. من خیلی از حرف های این آقایان مخصوصا موضع گیری های سیاسی شان را قبول ندارم ولی هتک و طرد این گونه اندیشمندان را هم غلط می دانم. به طور کلی به نظر من در کشور طیف های مختلفی بوده و هستند که ما باید راه همکاری با آنان را پیدا کنیم. افرادی داریم که به اسلام اعتقاد دارند و به انقلاب اعتقاد ندارند. عده بی انقلاب را قبول دارند ولی امام را قبول ندارند عده بی هم امام و انقلاب را قبول دارند اما آیت الله خامنه ای را قبول ندارند. ما باید همه اینها را یک جا جمع کنیم و بر سر اسلام و ایران که همه قبول داریم ائتلاف کنیم و کشور را از این تنگناهای ویرانگر و خانمان سوز برهانیم. حتی من می گویم آن طیف هایی که اسلام را قبول ندارند، ولی در دوستی و خدمت به ایران صادقند با آنها هم می توانیم کار کنیم. مگر اقلیت های مذهبی رسمی ما که در مجلس نماینده دارند اسلام را قبول دارند؟ اینها همه پیشکش. حداقل اینهایی را که انقلاب و امام را

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب

در پی درگذشت آیت الله انواری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای با صدور پیامی درگذشت عالم مجاهد مرحوم آیت الله شیخ محیی الدین انواری را تسلیت گفتند.

متن پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم مجاهد مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محیی الدین انواری رحمت الله علیه را به بازماندگان محترم و همه ای ارادتمندان به ایشان تسلیت عرض می کنم.

این عالم بزرگوار در شمار نقش آفرینان روحانیت مبارز در دوران طاغوت بوده و سال های دراز، رنج زندان های آن رژیم ستمگر را تحمل کرده بودند و در دوران جمهوری اسلامی همواره منشأ خدمات در بخش های گوناگون بودند. روحیه ی خیرخواه و خدوم و سرشار از صفا و نجابت، شخصیتی محبوب از این روحانی بزرگوار ساخته بود. رحمه الله علیه. از خداوند متعال مزید رحمت و مغفرتش را بر ایشان مسئلت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۲۳ مهر ۱۳۹۱

آیت الله مهدوی کنی:

آیت الله انواری دائماً به فکر رفع

گرفتاری مردم بودند

مراسم تشییع پیکر آیت الله انواری با حضور شخصیت های لشکری و کشوری برگزار شد.

در این مراسم که در مقابل مسجد دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شد، آیت الله مهدوی کنی بر پیکر آیت الله انواری نماز خواند و سپس پیکر این عالم روحانی جهت خاکسپاری به حرم شاه عبدالعظیم منتقل شد.

آیت الله مهدوی کنی در حاشیه مراسم تشییع پیکر مرحوم آیت الله محمد باقر محی الدین انواری در جمع خبرنگاران، ایشان را فردی متقی توصیف کرد و گفت: مرحوم آیت الله انواری سوابق علمی گسترده ای در قم و در مدرسه مروی داشتند و سال ها در درس مرحوم آیت الله محمد تقی آملی کسب فیض کردند.

وی با تأکید بر اینکه «مرحوم آیت الله انواری مورد احترام علما بودند، خاطر نشان کرد: مناصب علمی، سوابق مبارزاتی و تواضع نسبت به همه، مخصوصاً نسبت به علما، طلاب و روحانیت از ویژگی های خاص مرحوم آیت الله انواری بود. آیت الله مهدوی کنی با بیان اینکه، آیت الله انواری به دلیل مراتب تقوا و نیت پاک در همه جنبه های علمی روح نشاط را به همه تزریق می کردند، از خداوند خواست آن مرحوم را با اولیای الهی محشور کند.

همچنین علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: آیت الله انواری جزء السابقون در نهضت امام خمینی (ره) بودند و از بدو حرکت امام جزو افراد پیشرو بودند.

وی تصریح کرد: ایشان سال های زیادی را در زندان سپری کردند و در سابقه ایشان عضویت در جامعه روحانیت مبارز است. آیت الله انواری نقش موثری در حرکت انقلاب داشتند و بعد از پیروزی انقلاب هم در کارهای عمومی که مربوط به ساماندهی مساجد و کمک به مردم بود، نقش موثری داشتند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

مرحوم آیت الله گلپایگانی فقیهی آگاه و پشتیبان انقلاب اسلامی بود



حضرت آیت الله مکارم شیرازی مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی را از فقیهان آگاه و پشتیبان انقلاب اسلامی دانست و گفت: ایشان با تدبیر ویژه ای حوادث انقلاب را مد نظر قرار می داد و با رابطه ای که با حضرت امام خمینی (ره) داشت مسائل را به خوبی پیگیری می کرد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله گلپایگانی (ره)، از اقدامات صورت گرفته برای بزرگداشت این شخصیت بزرگ جهان تشیع تشکر کرد.

این مرجع تقلید برگزاری کنگره برای علمای بزرگ و قدردانی از آنها را موجب ترویج این فرهنگ و دلگرمی طلابی که در این مسیر گام برمی دارند دانست و ابراز کرد: به هر اندازه که از علما قدردانی کنیم خداوند نیز نعمت بیشتری نصیب انسان می کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی برگزاری چنین کنگره هایی برای علما را موجب احیای آثار ایشان خواند و اظهار داشت: قطعاً اگر چنین کنگره ها و مراسم هایی برای علمای بزرگ دین برگزار نمی شد بسیاری از آثار آنها فراموش می شد. وی با اشاره به شخصیت بزرگ علمی حضرت آیت الله گلپایگانی (ره)، ابراز داشت: فقاقت آن عالم بزرگ به یقین در حد اعلا بود و بهترین سند برای فقاقت ایشان حاشیه ای است که بر عروه الوثقی

نوشته اند. این مرجع تقلید ادامه داد: بنده زمانی که بر عروه الوثقی حاشیه می زدم به حواشی حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) فراوان مراجعه می کردم، ایشان فقیهی بسیار عمیق، نکته دان، دارای استقلال فکر، ذوق عرفی و بینش فقهی عالی بود و با این وجود نام فقیه آگاه گذاشتن برای

این کنگره بسیار مناسب است. حضرت آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به نقش تأثیرگذار حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) در انقلاب اسلامی، ایشان را یکی از پشتیبانان قوی انقلاب ذکر کرد و گفت: حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) با تدبیر ویژه ای حوادث انقلاب را مد نظر قرار می داد و با رابطه ای که میان ایشان و امام خمینی (ره) بود مسائل به خوبی پیگیری می شد، به همین دلیل بود که نماز امام راحل به وصیت ایشان توسط حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) اقامه شد.

وی ادامه داد: حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) آگاه به شرایط زمان، مکان و انقلاب بود و مسیر را تا آخر به صورت صحیح دنبال کرد.

این مرجع تقلید در ادامه تقوای در حد بالا را یکی از ویژگی های حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) عنوان کرد و ابراز داشت: در اوایل تلپگی بنده در قم نماز جماعت های فراوانی برگزار می شد که از جامعیت بالایی برخوردار بودند؛ اما بنده و آیت الله سبحانی برای نماز جماعت به مسجد ایشان

مردی؛ همپای انقلاب و امام

حکیم در نجف در خصوص طرح انقلاب سفید و توطئه های پی در پی رژیم شاه بود. در جریان قیام پانزده خرداد و دستگیری حضرت امام بسیاری از علمای طراز اول حوزه های علمیه قم، مشهد و سایر شهرستانها در اعتراض به اقدامات رژیم به تهران مهاجرت کرده رسماً خواستار آزادی بی قید و شرط امام شدند. آیت الله انواری از جمله علمایی بود که در تهران سکونت داشت وی دو شادوش علمای مهاجر در فعالیتهای مختلف آنان نظیر انتشار اعلامیه و... شرکت می کرد. ایشان در کنار شهید مطهری و بهشتی و مولائی یکی از ۴ نفر اعضای شورای روحانیت جمعیت مؤتلفه اسلامی بود که از طرف امام تعیین شدند. وی همچنین در تشکیل شاخه نظامی مؤتلفه نقش مؤثری ایفا نمود.

در پی اعدام انقلابی حسنعلی منصور؛ توسط مأمورین اطلاعات شهربانی دستگیر و روانه بازداشتگاه گردید. دادگاه، وی را به اتهام برهم زدن اساس حکومت، قتل نخست وزیر و... به پانزده سال حبس با اعمال شاقه محکوم نمود. با اعلام محکومیت انواری برخی از بزرگان نظیر آیت الله محسن حکیم، آیت الله اسدالله مدنی، محمدتقی فلسفی و... با ارسال نامه و تلگراف و یا ملاقات حضوری با مسئولین خواهان آزادی ایشان شدند ولی تمام این تلاشها بی نتیجه ماند.

آیت الله بیشترین دوران محکومیت خود را در زندان قصر سپری نمود. در زندان نیز با تشکیل جلسات مختلف و کلاس درس به وظیفه و رسالت خود که روشنگری و نشر معارف دینی بود ادامه داد. ساواک وی را یکی از محرکین اصلی زندانیان سیاسی در زندان قلمداد می کرد. انواری از جمله کسانی بود که به ماهیت مناقفانه اعضای سازمان مجاهدین خلق پی برد و پس از اعلام رسمی تغییر ایدئولوژی از سوی آنان به مخالفت با آنان پرداخت.

آیت الله محی الدین انواری اواسط بهمن ۱۳۵۵ به همراه جمعی از همزمانش از زندان آزاد گردید و مجدداً مبارزه را پی گرفت و به عنوان عضو روحانیت مبارز در شکل گیری جریانات سالهای ۵۶



شبستان: آیت الله حاج شیخ محمدباقر محی الدین انواری فرزند حاج شیخ زین العابدین، یکی از مبارزانی است که به تبعیت از امام خویش قدم به صحنه مبارزه نهاد و سالهای طولانی از عمر گرانمایه اش را در زندانهای مخوف رژیم پهلوی سپری کرد. در سال ۱۳۰۵ در شهر قم در خانواده ای که اجداد

پدری اش همگی اهل علم و روحانی بودند دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۱۰ در پی مأموریت پدر به همدان جهت تبلیغ و نشر معارف اسلامی به همراه خانواده عازم آنجا شد. وی ابتدا به سبک قدیم در مکتب خانه و پس از چندی در مدرسه شرافت به تحصیل مشغول گردید و همزمان ادبیات عرب، منطق و کتاب اصولی معالم را نزد پدر فراگرفت ولی به صورت رسمی فراگیری و آموختن علوم اسلامی را از حوزه علمیه آخوند در همدان آغاز نمود. سپس سال ۱۳۲۲ راهی حوزه علمیه قم شد و پس از دو سال به تهران آمد و در حوزه علمیه مروی اقامت گزید و مهم ترین سالهای دوران تحصیلی را در تهران سپری کرد. طی این مدت در محضر اساتید و بزرگان متعددی زانوی تلمذ زده به درجه اجتهاد نایل گردید.

آیت الله انواری همزمان با تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشت و شاگردان فراوانی را تعلیم و تربیت نمود. در سال ۱۳۲۷ در دختر آیت الله شیخ عباس انصاری ازدواج نمود. در جریان مبارزات پیش از انقلاب از سالهای ۱۳۴۰ به بعد فعالانه شرکت داشت و در جلسات دینی هفتگی، مردم را در جهت قیام علیه حکومت ستم شاهی تشویق می کرد.

در مقطعی که انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت تصویب شد ایشان امامت جماعت مسجد چهل تن در بازار تهران را عهده دار بود و با سخنرانی در هیئت های مذهبی به روشنگری و تبیین مسائل مختلف سیاسی پرداخت و در شناساندن شخصیت حضرت امام خمینی و ترویج نظریات ایشان بین مردم تهران فعالیت چشمگیری داشتند. همچنین حامل نامه امام (ره) به محسن

و ۵۷ سهم بود و در ارتباط با مسائل انقلابی به فرانسه، پاکستان و حجاز سفر کرد.

هر چه به روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی نزدیکتر می شد دامنه فعالیت های آقای انواری نیز گسترده تر می شد. نام وی در ذیل غالب اعلامیه هایی که در آن روزها از سوی شخصیتها و مجامع روحانی منتشر می گردید به چشم می خورد. در کمیته استقبال از امام مسئول نظارت بر انتظامات ۶۰ هزار نفری این کمیته بود و در اسفند ۵۷ جهت تنظیم امور اصناف از طرف امام در کمیته امور صنفی مسئولیت یافت و تا سال ۱۳۵۸ در این سمت انجام وظیفه کرد. علاوه بر آن از سوی امام در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ به امامت جماعت مسجد جامع نارمک منصوب گردید. در سال ۱۳۵۸ به عنوان نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در مراسم حج حضور و تلاش چشمگیری داشتند و نمایندگی امام در ژاندارمری کل کشور طی حکمی در سال ۵۹ به ایشان داده شد. در انتخابات اولین و دومین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از سوی مردم شهرستان رزن و همدان انتخاب شد و در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس نقش بسزایی ایفا نمود. در دوره اول و دوم مجلس خبرگان حضوری فعال داشت و با تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد ریاست این مرکز بنا به دستور مقام رهبری به عهده ایشان گذارده شد. آیت الله محمدباقر محی الدین انواری امروز در ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفت.

پی نوشتها:

۱- آیت الله حاج شیخ محمدباقر محی الدین انواری (یاران امام به روایت اسناد ساواک؛ کتاب ۳۹، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶، ص هفت-هفده.

۲- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۶، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷

۳- آیت الله حاج شیخ محی الدین انواری، ص بیست-بیست و شش.

۴- روزشمار انقلاب اسلامی، ص ۲۵۸.

۵- آیت الله حاج شیخ محمدباقر محی الدین انواری، ص بیست و هفت.

به گزارش خبرگزاری تقریب، آیت الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نشست خبری به مناسبت بیست و دومین سالروز تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به شرایط امروز جهان به ویژه جهان اسلام گفت: به نظر ما برجسته ترین شاخص مرحله کنونی تاریخ بشر تحولی است که در جامعه بشری در حال رخ دادن است و این تحول بشارت دهنده پیدایش قدرتی نوین در جهان بشر است که در آینده ای نه چندان دور به قدرت اول جهان تبدیل خواهد شد.

آیت الله محسن اراکی، از این قدرت نو به نام قدرت امت واحده اسلامی نام برد و تصریح کرد به نظر ما بیداری اسلامی کنونی آغازی برای این پیدایش نو و شروع تحولی نوین است.

وی با تأکید بر این که بیداری اسلامی به معنای جوانه زدن امت واحده اسلامی از درون جوامع اسلامی معاصر است خاطر نشان کرد: پدیده بیداری اسلامی جوانه ای است که بشارت دهنده پیدایش این قدرت نوین است و مستکبران و سلطه گران چه بخواهند و چه نخواهند قوانین حاکم به سمت تحول جوامع و پیدایش امت واحده اسلامی در حال حرکت است.

آیت الله محسن اراکی تأکید کرد: پیدایش امت واحده اسلامی به معنای پیدایش امتی با حدود ۲ میلیارد مسلمان ساکن کره خاکی با هویت، فرهنگ و قرآن واحد و الگو پذیری از شخصیت

پیامبر گرامی اسلام و همچنین بهره گیری از اندیشه های گران سنگ و پربار قرآن است.

وی با بیان این که این امت واحده فراگیر در همه جای کره زمین حضور دارد اظهار داشت: این امت در شرق و غرب عالم با فرهنگ، الگو، کعبه و کتاب واحد زندگی می کنند و به عنوان قدرت اول جهان آینده بشر حضور دارند، متولد می شوند و در حال تولد هستند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با اشاره به اهانت های اخیر به ساحت پیامبر گرامی اسلام و قرآن کریم اظهار داشت: این جریان یک هجوم برنامه ریزی شده از سوی دشمنان به منظور جلوگیری از پیدایش امت واحده اسلامی است.

وی ادامه داد قرآن متضمن تئوری زندگی جدید امت واحده اسلامی و انسان جدید است و پیامبر گرامی اسلام نیز الگوی زندگی انسان ارزشمند، عادل، کامل و برخوردار از فضیلت و تقوا است، بنابراین سر منشاء همه های دشمنان از این خصوصیات است.

وی با بیان این که قرآن کریم، رسول اکرم را به عنوان الگوی برتر معرفی می کند گفت: رسول گرامی اسلام و قرآن کریم، الگوی زندگی برتر هستند به همین دلیل آماج حملات افرادی قرار می گیرند که با زندگی بهتر و برتر انسانی مخالفند.

وی ادامه داد: تقوا، فضیلت، راستی، صداقت، ایثار و رحمت از معانی ارزشمند در زندگی بشر هستند ولی واژه رحمت برتر از واژه عشق، مهر



دبیرکل مجمع جهانی تقریب:

هجوم به شخصیت پیامبر (ص) و قرآن کریم به منظور جلوگیری از پیدایش امت واحده اسلامی است

آیت الله اراکی با اشاره به فعالیت ۲۲ ساله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطر نشان کرد: این مجمع تاکنون دستاوردهای بزرگی را در ابعاد گوناگون اجتماعی، دینی، قرآنی و دستیابی به وحدت به دست آورده و در عرصه تولید، تدوین، تبیین و ایجاد اندیشه های تقریبی بسیار فعال بوده است. وی ادامه داد: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با گروه هم آوردن اتباع مذاهب مختلف به نوعی همگرایی، هم اندیشی در مبارزه با جنگ های فرقه ای و جریان های تفرقه برانگیز در جهان اسلام دست یافته است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی فعالیت های بزرگ این مجمع را مروج تلاش های خستگی ناپذیر دو ایثارگر و اندیشمند در عرصه تقریب دانست و گفت: آیت الله واعظ زاده خراسانی و همچنین آیت الله تسخیری با تلاش های خود و همچنین بهره گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری گفتنمان تقریب را در سراسر جهان توسعه دادند.

وی با اشاره به جنگ افروزی های مداوم دشمنان جهان اسلام علیه ایران، عراق، افغانستان، سوریه و همچنین تجاوزهای مکرر به خلیج فارس اظهار داشت: نظام سلطه انواع راه ها را برای ایجاد تفرقه میان جوامع اسلامی و مذاهب انجام داده، و در تقابل با این توطئه های شوم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به دستور رهبر معظم انقلاب شکل گرفت که در اینجا لازم است دوباره از زحمات آیت الله واعظ زاده خراسانی و آیت الله تسخیری قدرانی کنیم و امیدواریم بتوانیم از دستاوردهای وحدت آفرین این دو بزرگوار پاسداری نماییم.

عدل و فضیلت است و همه این واژه ها را در بر می گیرد، بنابراین قرآن، رسول اکرم را به عنوان رحمت و قرآن کریم را کتاب رحمت برای زندگی انسان ها معرفی کرده است و زندگی آینده بشر بر مبنای ارزش های قرآنی مبتنی بر رحمت خواهد بود.

وی با اشاره به اهداف مجمع التقرب خاطر نشان کرد: هدف این مجمع شکل دهی امت واحده اسلامی مبتنی بر الگوی رحمت است.

آیت الله اراکی با یادآوری پیام رهبر معظم انقلاب به ایشان در ابتدای مسئولیت خود در این مجمع گفت: ایشان در این پیام چشم انداز امت واحده اسلامی را به عنوان هدف، استراتژی این مجمع معرفی کردند بنابراین هدف مجمع تقریب مذاهب اسلامی نیز در این راستا شکل گرفت.

وی یکی از اهداف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را برداشتن جدارهای تیره، دشمنی و کینه از میان جوامع و مذاهب اسلامی برشمرد و تصریح کرد: در این راستا مجمع قصد دارد زمینه های آشنایی اقوام و ملت های اسلامی را با یکدیگر فراهم کند و دشمنی و جنگ را میان فرقه های اسلامی کنار زده و دل های اتباع رسول اکرم (ص) را به یکدیگر نزدیک نماید تا امت واحده اسلامی محقق شود.

وی با بیان این که جامعه اسلامی باید به عنوان جامعه رحمت برای جهانیان معرفی شود گفت: گفتنمان وحدت باید در راستای پیدایش رحمت میان مسلمین دنبال شود.

بیانه فراکسیون روحانیون مجلس درباره اظهارات ضدایرانی یوسف قرضاوی:

اظهارات قرضاوی هر مسلمان دردمندی را متأسف می کند

در تصمیم گیری و حاکمیت مردم سوریه می گردد، حمایت می کند همه به خاطر حفاظت از کشوری است که سال های متمادی در مقابل رژیم اشغالگر صهیونیستی مقاومت کرده است و اینک دشمنان اسلام می خواهند این مقاومت را در هم بشکنند.

و با کمال تأسف جمهوری اسلامی ایران اینک متهم به دشمنی با جهان اسلام می گردد. البته برای کسانی که قرضاوی را می شناسند و می دانند که از کدامین آبشخور سیراب و ارتزاق می گردد و با کدامین رژیم غاصب مغازه می کند جای تعجب نخواهد داشت.

نباید فراموش کرد که آقای قرضاوی به نیابت از رژیم های مزدور و وابسته به آمریکا چه آتش فتنه ای در عراق روشن کرد که منجر به ریخته شدن خون بسیاری از مومنان شد و اگر نبود تدبیر علمای اسلام سنی و شیعه می رفت تا آتش این فتنه دامن هزاران کودک و زن و مرد بی گناه را به آتش بکشد.

ما روحانیون نماینده مجلس شورای اسلامی ضمن محکوم کردن اظهارات دشمن پسند قرضاوی از وی می خواهیم که خود را از بند مادیات و دنیای فناپذیر رها کند و به دامن اسلام و مصالح امت اسلامی بازگردد و از تفرقه سازی خودداری نماید تا همه نیروهای اسلامی به صورت متحد در مقابل دشمنان اسلام در یک صف واحد به جهاد برخیزند.

امضا کنندگان این بیانه:

سید محمد باقر عبادی، سید علی محمد بزرگوار، غلامرضا مصباحی مقدم، روح الله بیگی نیلانلو، مرتضی آقا تهرانی، حمید رسایی، سید علی طاهری، سید محمد مهدی پورفاطمی، موسی احمدی، نصرالله پژمان فر، سید ناصر موسوی لارگانی، علیرضا سلیمی، محمد باقری بنایی، سید محمد سادات ابراهیمی، سید محمود نبویان، محمد حسین حسین زاده بحرینی، علی اکبر ناصری، سید مرتضی حسینی، سید محمد موسوی نژاد، موسی غضنفرآبادی، احمد سالک کاشانی، سید جلال یحیی زاده، محمدرضا آشتیانی عراقی، محمدرجایی باغ سیایی، حسین سبحانی نیا، محمدرضا امیری، روح الله حسینیان، حبیب برومند و سید محمد حسن ابوترابی

فراکسیون روحانیون مجلس با صدور بیانه ای اظهارات ضدایرانی یوسف قرضاوی را محکوم کردند. به گزارش خبرگزاری خانه ملت، در جلسه علنی (۲۳ مهرماه) مجلس شورای اسلامی فراکسیون روحانیون مجلس با صدور بیانه ای اظهارات ضدایرانی یوسف قرضاوی مفتی قطری را محکوم کردند.

متن این بیانه به شرح زیر است:

به نام خداوند در هم شکننده ستمکاران
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اذا رایتهم عالما
مکبا علی الدنیا فاتهموه علی دینه و قیل ما الدنیا قال ص
: اتباع السلطان

بنابر نقل خبرگزاری ها یوسف قرضاوی مفتی درباری قطری، ایران را به خاطر عدم حمایت از تروریست هایی که در سوریه به کشتن مسلمانان مشغول اند و آلت دست رژیم صهیونیستی، آمریکا و غرب و رژیم های مرتجع عربی قرار گرفته اند، دشمن خوانده و به مسلمانان درباره تشکیل امپراطوری ایران هشدار داده است.

اظهارات قرضاوی در حقیقت هر مسلمان دردمندی را متأسف می کند که چرا انقلابی که بر مبنای وحدت مسلمانان شکل گرفته است و وحدت عملی آنها از اصول آرمانی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران و رهبری فرزانه آن بوده و هست چگونه توسط عالمی درباری متهم به امپراطوری و دشمنی با مسلمانان می شود؟ یوسف القرضاوی؛ جمهوری اسلامی ایران نه تنها به دنبال تشکیل امپراطوری نیست، بلکه به دنبال وحدت جهان اسلام و خواهان برقراری رابطه کشورهای مستقل و آزاد از امپریالیسم و امپراطوری جهانی آمریکاست. بنابراین از تهمت زدن و ایجاد تفرقه بین امت اسلامی پرهیزید و از خداوند بترسید.

چگونه ممکن است جمهوری اسلامی ایران که به خاطر حمایت از فلسطین این پاره تن جهان اسلام دشمنی، توطئه و تحریم های قدرت های جهانی را به جان خریده است متهم به دشمنی با جهان اسلام کرد؟ اگر جمهوری اسلامی از وحدت و یکپارچگی کشور سوریه و راهکارهایی که منجر به مشارکت مردم

دعوت به تقریب؛ ریشه در قرآن و معصومین (ع)

سوی حضرت امام(ره) در باره حج و نیز فتوای مقام معظم رهبری در مورد حرام بودن هرگونه اهانت و اسائه ادب به مقدسات و شخصیت های مورد احترام اهل سنت آنها را گام های عملی نظام جمهوری اسلامی در زمینه اجرای عملی شعار وحدت اسلامی دانست و افزود: اگر نبود این گام های عملی ایران و سیاست جمهوری اسلامی ایران با توجه به کینه عمیق دشمنان و استکبار جهانی از اسلام و مسلمانان و توطئه های بی شمار آنها در رابطه با تضعیف امت اسلامی جهت گسترش سلطه خویش بر سرمایه های ملی امت اسلامی و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، وضعیت مسلمانان بمراتب بدتر از وضعیت کنونی آنان بود.

رئیس زاده معنای وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی را برقراری روابط برادرانه و محترمانه بین اهل سنت و شیعه و تعامل با یکدیگر بر اساس عقلانیت و منطق و نیز حضور یکپارچه در مقابله با دشمن مشترک یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی دانست و گفت: بیداری اسلامی واقعی است که امروزه شاهد آن در منطقه از تونس و مصر تا بحرین هستیم و این خیزش مردمی ریشه در احکام اسلامی داشته و عزت، آزادی استقلال و پیشرفت امت اسلامی را شعار خود می داند و مردم و خصوصاً جوانان سردمداران این حرکت هستند و انتساب آن به قدرت های خارجی از جمله آمریکا و اسرائیل قطعاً اشتباه است. البته این نهضت بزرگ منافع استکباری آمریکا و اسرائیل را به خطر انداخته و لذا در صدد توطئه علیه آن و مصادره آن می باشند.

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمانان و درگیری بین مذاهب اسلامی را مهم ترین رویکرد آمریکا و اسرائیل در مقابله با بیداری اسلامی در منطقه و نفوذ انقلاب اسلامی ایران در جهان دانست و افزود: امت اسلامی امروزه بیش از هر زمان دیگری به وحدت اسلامی و تقریب بین المذاهب نیازمند هستند.

رایزن فرهنگی ایران در لبنان تأکید کرد: دعوت به تقریب و وحدت اسلامی ریشه در تعالیم قرآن و روایات معصومین (ع) دارد.

سید محمدحسین رئیس زاده در مصاحبه با رادیو الرساله لبنان با بیان این مطلب، خاطر نشان کرد: در یکی از آیات قرآنی تفرقه بین امت اسلامی بمنزله شرک به خدای تبارک و تعالی قلمداد شده (ولا تکنونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم) و بر همین اساس اسلام هرگونه رفتار و یا گفتاری که موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان گردد را واجب و یا مستحب شمرده، و در مقابل هر عملی که موجب عداوت، دشمنی و نزاع بین امت اسلامی گردد را حرام شمرده است.

وی با اشاره به تاریخ طولانی تلاش برای ایجاد وحدت بین مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی گفت: اولین شخصی که پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) در این راستا قدم برداشت حضرت علی بن ابی طالب (ع) است که با فداکاری خودش نگذاشت تفرقه و تشتت بین امت اسلامی ایجاد شود و این روش از سوی علما و فرهیختگان اسلامی در طول تاریخ اسلام ادامه یافت و در زمان حاضر نیز شخصیت هایی همچون حضرت امام (ره)، مقام معظم رهبری، امام موسی صدر، شهید سید محمد باقر صدر و ... از پرچمداران این حرکت بودند.

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اشاره به ماده دوازدهم قانون اساسی ایران گفت: جمهوری اسلامی ایران بر اساس دستورات اسلام، وحدت مسلمانان را بعنوان سیاست استراتژیک خود در سیاست های داخلی و خارجی خود قرار داده و در صحنه عمل و گفتار پای بند به این اصل بوده و با آنکه مشکلات زیادی را در این راستا تحمل کرد از این سیاست استراتژیک دست بر نداشت.

وی با اشاره به تشکیل مجمع تقریب، اعلام هفته وحدت اسلامی، صدور فتاوی مهمی از

شیخ «محمد حسین کاشف الغطاء» پرچمدار وحدت و اصلاح

شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء در سال ۱۲۹۴ هجری در نجف اشرف و در خانواده‌ای معروف به علم و فضیلت دیده به جهان گشود.

پدر او مرحوم شیخ علی بن محمدرضا بن موسی بن شیخ جعفر صاحب کتاب کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء بن شیخ خضر بن یحیی بن مطر بن سیف الدین المالکی بود.

او در ۱۰ سالگی تحصیل علوم عربی را آغاز کرد و پس از آن به آموختن علوم بلاغت و ریاضیات پرداخت و در جوانی توانست تحصیل فقه و اصول را به پایان ببرد.

پس از آن در محضر شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ آقارضا همدانی حاضر شد و فلسفه و کلام را نزد میرزا محمد باقر اصطهباناتی و شیخ احمد شیرازی و شیخ علی محمد نجف آبادی و دیگر دانشمندان و ریاضی دانان بزرگ آموخت.

طولی نکشید که کاشف الغطاء به دلیل نبوغ و فعالیت‌های علمی در حوزه علمیه نجف درخشید و آثاری را در زمینه‌های علمی مختلف مانند فقه، اصول، تفسیر، اخلاق، فرهنگ و ادبیات عرب تألیف کرد.

فعالیت‌های امام کاشف الغطاء تنها در زمینه علوم و پژوهش‌های حوزوی خلاصه نمی‌شود بلکه وی اهتمام ویژه‌ای به اصلاح، نوآوری و بررسی مسائل امت اسلامی و مشکلات آن داشت و یکی از برجسته‌ترین دعوت کنندگان به تقرب مذاهب اسلامی و وحدت میان مسلمانان بود و تلاش زیادی برای تقویت همبستگی و برادری در میان امت اسلامی مبذول داشت به گونه‌ای که قلب او مالا مال از رنج‌های ناشی از تفرقه مسلمانان بود. او صاحب این کلام ماندگار است که اسلام بر دو اساس بنا شده است: توحید و وحدت کلمه.

او در کتاب خود با عنوان المثل العلیا فی الاسلام لافی یحمدون همه مسلمانان را خطاب قرار داده و به آنها می‌گوید: هر موجود دارای احساس و شعور باید بداند مسلمانان امروز بیش از هر زمان دیگری به وحدت، همبستگی و جمع کلمه و وحدت صفوف نیاز دارند و این که مانند بنیان مرصوص به یکدیگر بیبوندند؛ هیچ زمینه‌ای را برای آنچه موجب خشم، دشمنی و جدایی از یکدیگر می‌شود، باقی نگذارند و باید آزادی مذاهب و ادیان را حفظ کنند چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: **يَا دَاوُودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ**.

امام کاشف الغطاء نگاه‌های مسلمانان را متوجه راز پیروزی آنها می‌کند و می‌گوید: در حقیقت باطل‌هایی که در برابر حق قرار دارند مسلمانان را ملزم می‌سازند دست‌های سوئی که در پی برهم ریختن سرزمین‌ها است، قطع کنند و قطع‌زمانی که میان اهالی یک سرزمین وهم وجود داشته باشد حکما و اندیشمندان تلاش می‌کنند این وهم را از میان برده و آن را اصلاح کنند.

ما می‌دانیم که بیماری‌کشنده و غیر قابل درمان تفرقه ناشی از خودپسندی‌ها و تعصب‌های برخواسته از مفاخرات، رقابت‌ها، برخوردها، نژادپرستی و تحقیر ملیت‌ها است به همین دلیل کلام وحی از زبان پیامبر خدا(ص) تصریح می‌کند: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَاُنْتَبِ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَّقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا اِنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقَاكُمْ**. و سپس توضیح می‌دهد: **اَلنَّاسُ كَلِمَةٌ لَادِمٌ، وَاَدَمَ مِنْ تَرَابٍ، لَا فِضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلٰى اَعْجَمِيٍّ اِلَّا بِالْتَّقْوٰى**، کیس منا من دعا الی عصبیة.

وی در نامه‌ای خطاب به شیخ الازهر شیخ محمود شلتوت می‌گوید: از طریق برخی روزنامه‌ها از سخنان شما که موجب رضایت خداوند و صلاح امت بود مطلع شدیم و خداوند را شکر می‌کنیم که در میان این امت و در این زمان فردی را قرار داده است که موجب وحدت امت می‌شود و حقیقت دین را می‌فهمد و برکت و امنیت اسلام را برای مسلمانان افزایش می‌دهد. ما نیز در

طول ۵۰ سال برای تقرب میان مذاهب اسلامی تلاش کرده و به وحدت اهل توحید فرامی‌خوانیم. وی در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که آیا مسلمانان از اختلاف بهره‌ای می‌برند و چه چیزهایی آنها را به اختلاف فرامی‌خواند، پاسخ داد:

اولا بدانید که اختلاف تنها برای انسان‌ها ضروری نیست بلکه برای طبیعت وجود ضروری است مقصودم جهان وجود و فساد، شب و روز، نور و تاریکی، گرمی و سردی، تابستان و زمستان، هوشیاری و بی‌هوشی و چیزهای دیگر است و اختلاف نظرها از دقیق‌ترین مسائل وجودی و اصلی برای حفظ نظام جهان است و وحدتی که قرآن کریم به آن دعوت می‌کند وحدت در آرا و مذاهب نیست زیرا این به دلیل طبیعت بشر محال است و بزرگترین موهبت‌های خداوند را تعطیل می‌کند و چه موهبتی بزرگتر از آزادی آرا و عدم جمود عقل‌ها و خاموش نشدن جرقه‌های هوشیاری، فهم، بحث و روشنگری بلکه مراد از وحدت که در قرآن عزیز به آن دعوت شده است و آنکه یکی از دو ستون وحدت و توحید در اسلام است، وحدت اخلاقی و وحدت ایمانی و وحدت برادری و دوستی است به اینکه اختلاف در مذاهب و نظرها سببی برای کینه‌توزی و از هم بریدن و دشمنی و ستم نباشد بلکه باید بهترین صحابه در صدر اسلام را به عنوان مثل‌اعلی و الگوی حسنه گرفت که در بسیاری از مسائل فرعی و مسائل علمی با یکدیگر اختلاف داشتند و در بالاترین سطح برادری و صفا بودند و از یکدیگر دفاع کرده و از هم حمایت می‌کردند زیرا اسلام جسد واحد است و آنها اعضای این جسدند که روح واحدی یعنی روح مقدس مبدأ و قربانی کردن هر عزیزی در راه آن، آنها را به هم پیوند داده است.

اما این که چه کسی مسئول اداره امور اسلام است جواب صحیح آن است که کلکم راع وکلکم مسؤول همه شما رعیت و همه شما مسئولید هر کس به اندازه شأن و قابلیتش؛ هر موجود دارای شعوری خود را می‌شناسد و از توان خود آگاه است. حقیقت آنست که همه مکلفند و همه مقصر؛ از خود علت‌ها و عذر‌ها را می‌پرسند و روزی که اسرار بر ملا می‌شود حقایق مخفی نمی‌ماند و عذر‌ها نفعی ندارند.

وی در برخی از نوشته‌های خود آورده است: مصلحان فریاد زدند و همه مسلمانان بسیاری از فریادهای آنها را شنیدند که گفتند: بیماری مسلمانان تفرقه آنها و درگیری با یکدیگر است و تنها داروی آنها اتفاق و وحدت و پشتیبانی از یکدیگر و کنار گذاشتن مجادله و زیرپا گذاشتن بغض و کینه است و همچنان تلاش برای این مقصد بالا و غرض شریف تا امروز ادامه دارد و مردانی که خداوند چشم‌های آنها روشن کرده است و اراده آنها را استوار گردانیده و ریشه‌های اخلاص را در آنها برای صلاح این امت شعله‌ور گردانیده از ورای شور قلب‌هایشان به این وحدت مقدس یعنی وحدت فرزندان توحید و پیوستن تمام مسلمانان را زیر پرچم (لا اله الا الله محمد رسول الله) بدون هیچ فرقی میان عناصر و مذاهب آنها دعوت می‌کنند.

آنها دعوت کنندگان به این جامعه والا و عروۀ الوتقی و دلیل محکم که خداوند تمسک به آن را امر فرموده است و ریسمان قوی که خداوند دستور داده به آن چنگ زند، هستند زیرا این زندگی است و به این وسیله امت اسلام نجات می‌یابد و الا هلاک ابدی و مرگ جاودانه در پیش است.

این افراد دعوت کنندگان به وحدتند و حاملان مشعل توحید، آنها دعوت کنندگان به حق و انبیای حقیقتند و رسولان خداوند به سوی بندگان او در این عصر، آن دسته از شاعران اسلام را که کهنه شده تازه می‌کنند و آن دسته از مناره‌های محمدی را که نابود شده دوباره می‌افرازند و به فضل این تلاش‌های مستمر از سوی این مردان که چقدر کم

است تعدادشان بشارت‌های خیر آشکار می‌شود و طلیعه‌های موفقت می‌درخشند و این روح طاهر در جان‌های مسلمانان رسوخ می‌کند و به یکدیگر نزدیک می‌شوند و با یکدیگر آشنا می‌شوند.

مرحوم کاشف الغطاء دائما علمای امت را به برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌ها برای تقویت و کمک به وحدت اسلامی فرا می‌خواند و به مسلمانان در رابطه با توطئه‌های استعمار غربی هشدار می‌داد و تأکید می‌کرد: غربی‌ها از خطرناک‌ترین عوامل پاشیدن بذر تفرقه و شکاف میان فرزندان امت اسلامی هستند.

وی در سفر مشهور خود به فلسطین در سال ۱۹۳۱ برای حضور در نشست اسلامی که با حضور علمای بزرگ مذاهب اسلامی کشورهای مختلف و نزدیک به ۵۰ هزار تن از مسلمانان در قدس شریف برگزار شد، سخنرانی بلیغ و موثری انجام داد که در آن آمده است:

یکی از غرایزی که در جان‌های ما محکم شده و آن را از قرن‌های پیش به ارث برده‌ایم، غریزه تفرقه و اختلاف است بر خلاف وحدت و الفتی که خداوند سبحان ما را به آن امر فرموده و برادری و دوستی که آن را بر گردن ما قرار داده (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض.. التوبة: ۷۱، و معلوم است که اختلاف آرا و آزادی فکر ناموسی از نوامیس انسان است و فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر پایه آن خلق کرده است) **سِنَّةُ اللّٰهِ فِی الدُّنْیَا خُلُوًّا مِنْ قَبْلِ وَلَنْ تَجِدَ لِسِنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِیْلًا** الاحزاب: ۶۲، هیچ شکی وجود ندارد که همه ما پیش از آنکه شیعه، سنی، زندی و یا شافعی باشیم مسلمان و موحدیم و این مسائل نباید موجب رابطه محکم اسلام میان ما باشد.

ما ذا التَّقَاعُ فِی الْاِسْلَامِ بَیْنَكُمْ وَاَنْتُمْ - یا عباد الله - اِخْوَانُ
 این تفرقه در اسلام میان شما مسلمانان برخواسته از چیست در حالی که شما ای بندگان خدا با یکدیگر برادرید.

وی در ادامه می‌افزاید: صحابه (رضوان الله علیهم) به ویژه پس از رحلت صاحب رسالت در بسیاری از فروع با یکدیگر اختلاف داشتند؛ هر کس نظر خود را داشت و اختلافات آنها در مسائل مهمی مانند مسح، وضو، ارث، متعه، مهر در نکاح و همچنین بسیاری از مسائل دیگر بود اما آنچه از همه مهم‌تر بود ایجاد نشدن شکاف در وحدت آنها و ایجاد تفرقه میان آنها بود بلکه به یکدیگر اقتدا کرده و با هم نماز می‌خواندند و در ایمان یکدیگر شک نمی‌کردند و به همین گونه توانستند در نیم قرن شرق و غرب زمین را از آن اسلام کنند.

پس آنچه بر هر مسلمانی به ویژه رهبران و دانشمندان در چنین شرایطی واجب است به کارگیری همه تلاش‌ها برای پیوستن مسلمانان به یکدیگر و نشر الفت میان آنهاست چنانچه خداوند و رسول او می‌خواهند و در کتاب خدا به آن دستور داده شده است. و معنای این برادری آن نیست که از سنی بخواهی که شیعه شود و یا از شیعه بخواهی که سنی شود زیرا این منافی حکمت است و مخالف با سنت خداوند در خلقت بلکه هر کس نظر خود و اعتقاد خود را دارد بلکه دعوت به وحدت آن است که این اختلاف‌ها را ابزار برای تفرقه و دلیلی برای مجادله، رقابت، دشمنی و خشم میان برادران قرار ندهیم.

وی در پایان آورده است: ای رهبران اسلام خدا را در این قضیه به یاد داشته باشید که این مسئله‌ای جوهری است و باید هر یک از ما تمام تلاش خود را در گسترش این روحیه پاک و نشر این آموزش‌های مقدس به کار بریم، باشد که خداوند به فضل تلاش‌های شما از مسلمانان امتی را تشکیل دهد که بار دیگر جهان را به لرزه درآورد بلکه می‌گویم - و هراسی ندارم که غلو کرده باشم - جهان را بار دیگر اصلاح کند همانگونه که بار اول اصلاح کرد.

محمد نائینی

تجلیل تجمع علمای مسلمین لبنان

از ایت الله تسخیری

تجمع علمای مسلمین لبنان طی مراسمی با حضور جمع کثیری از علمای شیعه و سنی لبنان از آیت‌الله تسخیری دبیر کل سابق مجمع‌التقرب و مشاور مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام تجلیل کرد.

حجت الاسلام والمسلمین حسان عبدالله رئیس هیات مدیره تجمع علمای مسلمین در این مراسم گفت: این تکریم بخاطر تلاش‌های بی‌وقفه ایشان در راستای وحدت مسلمانان جهان، در زمانی که همه قدرت‌های استکباری عزم خود را برای تفرقه مسلمانان جزم کرده بودند، می‌باشد.

وی آیت‌الله تسخیری را عالمی برجسته در عالم اسلام دانست که از خصائل والای اخلاقی از جمله خستگی‌ناپذیری و تواضع برخوردار است و افزود: این شخصیت به عنوان الگو برای علمای اسلام در سطح جهان می‌باشد

رئیس هیات مدیره تجمع علمای مسلمین لبنان گفت: مشکلات جسمانی نتوانست سد راه آیت‌الله تسخیری در راستای ایفای مسئولیت خویش در دفاع از اسلام ناب محمدی گردد؛ و لذا او را در همه کنفرانس‌ها و جلسات نقد و بررسی و گفتگو در چهار قاره دنیا حاضر و فعال می‌بینیم و با بیان شیوا و با صلابت منطق، فکر و اندیشه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری را برای اندیشمندان جهان اسلام تبیین می‌نمود.

وی دوران مسئولیت آیت‌الله تسخیری در دبیر کلی مجمع‌التقرب بین المذاهب الاسلامیه را دوران شکوفایی این مجمع دانست و افزود: تلاش برای وحدت اسلامی ضرورتی است که در طول تاریخ مصلحان بزرگی در جهان تشیع و تسنن به آن قیام کردند؛ و ایشان یکی از چهره‌های درخشان در این مسیر می‌باشند.

شیخ احمد الزین رئیس هیئت امنای تجمع علماء مسلمین لبنان هم با تقدیر از از تلاش‌های آیت‌الله تسخیری در راستای تقرب بین المذاهب گفت: آیت‌الله تسخیری پرچمدار اسلام حقیقی در گستره کشورهای مختلف بود و حضوری قوی در همه میدان‌های فکری و مذهبی در سطح جهان داشت.

آیت‌الله تسخیری هم در این مراسم ابراز داشت: تلاش برای وحدت اسلامی در زمانی که دشمنان اسلام تمام هم خود را برای ایجاد درگیری و تفرقه بین مسلمانان گذاشته اند از واجب واجبات است.

وی ادامه داد: قرآن کریم و ائمه‌هدی(ع) بر وحدت اسلامی و دوری از تفرقه و نزاع تأکید فراوان داشتند و انقلاب اسلامی ایران از ابتدای پیروزی تاکنون در این مسیر قدم برداشته و هزینه‌های سنگینی را در این راستا تحمل نموده است.

آیت‌الله تسخیری با اشاره به آیات و روایات اهل بیت(ع) هر گونه حرکتی که منجر به تضعیف و تفرقه مسلمانان گردد را خیانت به اسلام دانست و افزود: تجمع علماء مسلمین لبنان الگوی مناسبی برای اجتماع علمای اهل سنت و تشیع بر محوریت دفاع از اسلام محمدی(ص) است و این الگو باید در دیگر کشورهای اسلامی گسترش یابد.

وی گفت: بر اساس ارشادات اسلامی مؤمنین باید مشکلات را به فرصت تبدیل کنند و توطئه‌های دشمنان اسلام از جمله این مشکلات است.

در این مراسم لوح پاسداشتی از سوی تجمع علمای مسلمین لبنان به آیت‌الله تسخیری اهدا شد.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: سید هادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۳۳ مندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: Besatonline@gmail.com

برگزاری آیین بزرگداشت

آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای

آیین بزرگداشت آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، هفته دوم اسفند جاری، از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور برگزار می‌شود و در همین راستا از تمامی پژوهشگران دعوت شده تا مقالات خود را تا تاریخ ۳۰ آبان ماه ارسال کنند.

بنابر این گزارش، زندگی و شخصیت علمی استاد یکی از موضوعات پیشنهادی برای این آیین علمی است که مباحثی چون فعالیت‌ها و نقش سیاسی استاد، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را در بر گرفته است.

آراء و آثار فلسفی دیگر موضوع پیشنهادی این آیین علمی است که مباحثی چون الهیات و دین پژوهی (قرآن، حدیث و...)، معادشناسی و مسئله روح و نفس، هرمنوتیک و روش تفسیر، انسان‌شناسی، فلسفه‌های مضاف (فلسفه اخلاق، فلسفه تعلیم و تربیت و نقش آموزشی فلسفه، معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، روان‌شناسی و علم النفس، فلسفه و علوم اجتماعی، فلسفه و علوم طبیعی، فلسفه زبان، هنر و ادبیات، فلسفه تاریخ، فلسفه زن بودن) و تصحیح آثار صدرالمآلهین را در خود جای داده است.

بازخوانی انتقادی تاریخ فلسفه (به سوی تألیف فلسفه ایرانی - اسلامی) عنوان یکی دیگر از موضوعات پیشنهادی این آیین علمی برای ارسال مقاله است که مباحثی چون جایگاه و رسالت امروزی فلسفه و فیلسوف، تطور فلسفه شیعی (از حکمت علوی تا انقلاب اسلامی)، بازخوانی حکمت خسروانی و مؤلفه‌هایی برای حکمت ولایی و روزآمدسازی فلسفه اسلامی را در برمی‌گیرد.

حکمت متعالیه، الگوی حکمت ولایی، نکات و نقاط مغفول مانده حکمت متعالیه، آسیب‌شناسی رویکردهای معاصر به فلسفه صدرایی، سهم اندیشمندان و فیلسوفان ایرانی در توسعه حکمت و فلسفه (پس از انقلاب اسلامی)، توسعه نهادی و رشد فلسفه؛ بایسته‌ها و رخنه‌ها (آسیب‌شناسی تکرر نهادهای متولی و هم‌پوشانی فعالیت‌ها در رشد تفکر عقلانی) و نگرش تحلیلی - انتقادی به فلسفه غرب، از دیگر مباحث مطرح شده در این موضوع برای ارسال مقاله هستند.

آراء و آثار حقوقی (معطوف به آثار استاد) از دیگر محورهای این فراخوان مقاله است که عناوینی چون قضاوت و بایسته‌های حقوقی، حقوق اساسی و عمومی، حقوق جزا، حقوق قضا و دادرسی، مالکیت و اقطاع، حقوق بین‌الملل، اسلام و مالکیت معنوی و فکری، حقوق خانواده، حقوق زن، حقوق تجارت و مالیه و مالیات و اقتصاد اسلامی را در خود جای داده است.

آخرین محور پیشنهادی برای ارسال مقاله به آیین بزرگداشت آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای به عنوان حکمت و حکومت اختصاص دارد و فلسفه سیاسی در پرتو آموزه‌های اسلامی، حکومت اسلامی و مردم‌سالاری، حقوق و وظایف شهروندی در اسلام، عدالت و بایسته‌های سیاسی و حکومت و مسئله جهانی شدن و دگرترین مهدویت از جمله موضوعات پیشنهادی مطرح شده در این فراخوان هستند.

یادآور می‌شود علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۵۳۷۴۲۰۴، روابط عمومی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور و ۵۵۳۷۴۲۰۲ دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی این انجمن تماس بگیرند.

پیام ۳ تن از مراجع تقلید درباره مسائل

اقتصادی و فرهنگی کشور

سه نفر از مراجع تقلید شیعیان طی پیامی خواستار رسیدگی و تلاش هرچه بیشتر مسئولان برای حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی شدند.

پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله صافی گلپایگانی اعلام کرد: جمعی از مراجع بزرگ تقلید (حضرات آیات عظام؛ صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی و شبیری زنجانی) در پی مراجعات مکرر مردم با ایمان کشور از نقاط دور و نزدیک به دفتر مراجع تقلید درباره مشکلات اقتصادی مخصوصاً مسأله گرانی شدید و طاقت فرسا که قشر مستضعف جامعه را هدف قرار داده است و نیز مشکلات اخلاقی و فرهنگی که چهره نظام اسلامی را دگرگون می‌کند در جلسه مشترکی شرکت کرده و درباره هر دو موضوع اقتصادی و فرهنگی به مشورت نشستند.

در ادامه آمده است: پس از گفتگو و بررسی اوضاع کشور لازم دیدند که به سبب حاد بودن هردو موضوع، پیام و صدای مردم شریف را به سمع مسئولین محترم برسانند و از همه مقامات بخواهند که به شرایط حساس کشور و منطقه و جهان توجه نموده و با استفاده از نظرات آگاهان در هر زمینه به اصلاح امور اقتصادی و مبارزه با گرانی و تورم و بیکاری و صیانت از اخلاق و فرهنگ اسلامی و مخصوصاً مسئله حجاب و عفاف بپردازند. در این پیام آمده است: به یقین نظام جمهوری اسلامی از چنان استحکامی برخوردار است که این امور آن را متزلزل نمی‌سازد ولی مردمی که آن همه جانفشانی در راه آن کرده و صدها هزار شهید و جانباز و آزاده تقدیم داشته‌اند، انتظار دارند که مسئولین آنها در برابر این مشکلات طاقت فرسا حداکثر تلاش و کوشش خود را به خرج دهند.

حتی با تدبیر و برنامه صحیح آثار سوء تحریم‌های دشمن را برطرف سازند و هیچ فرصتی را از دست ندهند و اختلاف سلیقه‌ها هرگز نمی‌تواند بهانه‌ای برای عدم همکاری در حل این معضلات باشد و بدانند اگر عزم و اراده قوی و نیت‌های خالص باشد، خداوند متعال نیز کمک خواهد نمود.

سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال

حوزه در قم برگزار می‌شود

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان قم از برگزاری سومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال حوزه در بهمن ماه خبر داد.

حمید خرمی در گفتگو با مهر، اظهار داشت: در استان قم بیش از هزار ناشر و قریب به ۲۵۰ فروشگاه کتاب در زمینه‌های مختلف زیر نظر اتحادیه ناشران استان مشغول به فعالیت است.

وی با بیان اینکه میانگین تیراژ کتاب‌ها در قم ۲ هزار نسخه است و این استان مقام اول را در چاپ و نشر کتب دینی دارا است، گفت: در استان سالانه نزدیک به ۱۰ هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود که سه هزار عنوان از آن، کتاب‌های تجدید چاپ شده و هفت هزار نیز کتاب‌های چاپ اول هستند.

وی با اشاره به برنامه‌های جاری اتحادیه ناشران و کتاب فروشان قم، اظهار داشت: از جمله برنامه‌های اتحادیه ناشران در نیمه دوم سال ۹۱ برگزاری نمایشگاه استانی کتاب در آبان است که آثاری از سراسر کشور در این نمایشگاه به نمایش در خواهد آمد. وی در ادامه اظهار داشت: امسال نیز نمایشگاه کتاب یاد یارمهربان به منظور تجهیز کتابخانه‌های مدارس استان با همکاری اداره کل آموزش و پرورش و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار خواهد شد. خرمی با بیان اینکه سال گذشته مبلغی قریب به ۶۰۰ میلیون تومان از طریق اداره کل آموزش و پرورش، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و استانداری قم به این نمایشگاه تعلق گرفت، گفت: از این بین ۲۰۰ میلیون تومان سهم استانداری، ۱۰۰ میلیون تومان آموزش و پرورش و ۳۰۰ میلیون تومان سهم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوده است.

وی در این باره تأکید کرد: امسال تمام تلاشمان را انجام می‌دهیم تا این مبلغ به یک میلیارد تومان افزایش یابد. رئیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان قم با اشاره به اینکه سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال حوزه در بهمن ماه امسال برگزار می‌شود، گفت: سال گذشته ۲۵ ناشر خارجی در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند و امسال تلاش داریم تا با ریزنی‌های انجام گرفته کشورها و ناشران اسلامی بیشتری در این نمایشگاه حضور یابند.

معرفی کتاب شهید مطهری در حدیث دیگران



تاریخ کشور ما به خصوص تاریخ معاصر ناظر حوادث، جریان‌ها و ظهور شخصیت‌های برجسته در زمینه‌های مختلف بوده است. شخصیت‌هایی که در صحنه‌های مهم تاریخی، نقش سرنوشت‌ساز داشته و به مردمان و اطرافیانشان درس‌های علمی و عملی داده و با آشنایی از روحیات مادی و معنوی آنان در زندگی اجتماعی و سیاسی آنان اثری شگرف برجای گذاشتند. در این میان نقش شخصیت‌های روحانی در مقام نیروی مذهبی - سیاسی و اجتماعی در سراسر تاریخ ایران و به خصوص تاریخ معاصر ایران قابل توجه است.

روحانیان و دین‌باوران در دوران حکومت پهلوی از یک سو بر اساس مبادی دین و احساس مسؤولیت در برابر وضع ناگوار جامعه حاضر به سکوت نبودند و از سوی دیگر، بر پایه امکانات و منابعی که در اختیار داشتند، برای بیداری و آگاهی توده‌ی مردم عزم خود را جزم نمودند و جهت رسیدن به اهداف اسلامی از امکانات محدود بهره‌برداری لازم را به عمل آوردند.

در سال ۱۳۴۲ش همزمان با آغاز نهضت امام خمینیرحمه‌الله علیه، روحانیان نیز فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود را به اوج رساندند و در این راه به مبارزه آشکار و علنی با رژیم پهلوی پرداختند. اما در واپسین سال‌های دهه چهل و با توجه به خفقان موجود در کشور، روحانیان و مبارزان در فعالیت‌های سیاسی خود تغییر تاکتیک داده و به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی روی آوردند و در پوششی غیرسیاسی اهداف و خواسته‌های سیاسی - مذهبی خویش را دنبال کردند که به حق فرایند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان انقلابی مکتبی موهون تلاش‌های فکری و فرهنگی روحانیانی بود که در این راه از هیچ کوششی دریغ نوردیدند و ستون‌های انقلاب اسلامی را پی‌ریزی کردند.

بی‌شک استاد شهید مرتضی مطهری به عنوان یکی از روحانیانی که چه در سال‌های مبارزه با رژیم پهلوی و چه در نخستین سال استقرار نظام جمهوری اسلامی گره‌گشای بسیاری از مشکلات نظام اسلامی بود و با تیزبینی راه را بر گسترش افکار التقاطی در جامعه می‌بست، در تاریخ انقلاب اسلامی جایگاه شامخی دارد که در این کتاب به مبارزات و زندگی نامه این روحانی برجسته پرداخته شده است.

کتاب شهید مطهری در حدیث دیگران با تدوین رضا مختاری اصفهانی مهرماه ۱۳۹۱ در ۳۲۲ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۶۴۰۰ تومان از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.

معرفی کتاب «سنن النبی(ص)»



موسسه بوستان کتاب اثری دیگر از علامه سیدمحمدحسین طباطبائی را با عنوان «سنن النبی(ص)» با ترجمه آیت‌الله محمدهادی فقهی و به کوشش استاد سیدهادی خسروشاهی منتشر کرده است.

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی در این اثر کوشیده است بخشی از سنن پیامبر اسلام(ص) را در حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی نظیر آداب معاشرت، زینت کردن، سفر، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، امور مربوط به اموات، آداب نماز، قرائت قرآن، آداب دعا و ... بیان کند.

در بخشی از معرفی این کتاب درباره ضرورت الگوگیری از رفتار فرستاده خداوند آمده است: به فرموده قرآن کریم، پیامبر گرامی اسلام(ص) الگو و اسوه همه انسان‌هاست و رفتار و گفتار آن بزرگوار، منبع اصیل و بسیار اطمینان‌بخشی برای زندگی است. لذا تاسی به این اسوه حسنه، شناخت سنت‌های آن حضرت، یک ضرورت است.

سید محمدحسین طباطبائی معروف به علامه طباطبائی(۱۳۶۰ - ۱۲۸۱ هجری شمسی) فقیه، فیلسوف و مفسر قرآن شیعه ایرانی است.

زنده کردن حکمت و فلسفه و تفسیر در حوزه‌های تشیع بعد از دوره صفویه از جمله اقدامات بارز وی به شمار می‌آید. به ویژه این که وی به بازگویی و شرح حکمت صدرایی اکتفا نکرد و به تأسیس معرفت‌شناسی در این مکتب پرداخت. همچنین با انتشار کتاب‌های فراوان و تربیت شاگردانی مانند شهید مرتضی مطهری در دوران مواجبه با اندیشه‌های غربی نظیر مارکسیسم، به اندیشه دینی حیاتی مجدد بخشید و حتی در نشر آن در مغرب زمین نیز کوشید.

کتاب «سنن النبی(ص)» در قطع وزیری، جلد شومیز، ۲۲۴ صفحه و بهای ۳۴۰۰۰ ریال روانه بازار نشر شده است.

سهامیه‌های خاص حذف می‌شوند/بخشیدن حق مردم به دیگران معنا ندارد

راستای رفاه حال زائران ایرانی بیت‌الله الحرام، اظهار داشت: ما نوکر زائران حرم الهی و کاملاً در خدمت مردم هستیم و شأنی به جز خدمتگزاری به ضیوف الرحمان برای خود قائل نیستیم.

این مقام مسئول همچنین در نشست بازرسان سازمان حج و زیارت در مدینه منوره که با حضور مدیرکل بازرسی و ارزش‌یابی سازمان حج، گفت: بازرسی در امر حج که مشخصاً از وظایف این سازمان است، امسال به طور منظم انجام می‌شود و به لطف خداوند با توجه به این که نیروهای خوب و باتجربه‌ای در این بخش هستند.

رئیس سازمان حج و زیارت با تأکید بر سیاست هدفمندسازی سهمیه‌های حج عمره و حذف سهمیه‌های خاص، تصریح کرد: حق مردم متعلق به آنهاست و دادن و بخشیدن حقوق مردم به دیگران معنا ندارد.

مشاور رئیس جمهوری با اعلام اینکه همه چیز را برای مردم می‌خواهیم، اظهار داشت: در زمینه قطع سهمیه‌های خاص و هدفمندسازی عمره، مصمم هستیم و بحمدالله از حمایت مردم، علما و نخبگان برخورداریم.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تشریح به برخی اقدام‌ها و فعالیت‌های انجام شده در

رئیس سازمان حج با تأکید بر اجرای سیاست هدفمندسازی سهمیه‌های حج تمتع از حذف سهمیه‌های خاص حج خیر داد و اعلام کرد: حق مردم متعلق به آنهاست و دادن و بخشیدن حقوق مردم به دیگران معنا ندارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد موسوی در جمع زائران ایرانی در مدینه منوره با تأکید بر اینکه بازرسی‌ها باید دقیق، مستمر، منصفانه و همه‌جانبه باشند، از بازرسان خواست در زمینه‌ی بازرسی و ارزشیابی به روش‌های علمی و نوین توجه کنند.